

وضعیت فلاکت بار آوارگان جنگی

رژیم مرتجع جمهوری اسلامی برای تأمین "گوشت دم توب" در جنگ فرساینده، خانمانسوز و ویرانگر خود با عراق، به مهاجرین جنگی و فرزندان آنها نیز رحم نمی کند.

مرتجعین با استفاده از وضع فلاکت بار و اسفناک مهاجرین جنگی که خود مسببین اصلی تداوم آن هستند، مهاجرین را تهدید می کنند، چنانچه فرزندان مشمول آنها در جنگ شرکت نکنند، مقرری و جیره آنها را قطع خواهند کرد. در بخشنامه "بنیاد امور مهاجرین جنگی" در این باره نوشته شده است:

"هر خانواده ای که یک نفر مشمول داشته باشد و به خدمت شروء باید مقرری آن را قطع نمود."

اینها افزون بر دهها مشکلی است، که هم اکنون بقیه در صفحه ۲

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۶۲ برابر ۲۸ ژانویه ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۴۲

رابطه شعبه ۱۷۰ دادگاه کیفری ۲ و هنر موسیقی

مقاله ای بنام هنر در ج ۱۰، اصولاً در شمار "منکرات" قرار می گیرد و عامل "تشویش اذهان عمومی و مخل نظم جامعه" شمرده می شود. بنا بر این تعجبی ندارد که حکام شرع و قضات دادگاهها، سرنوشت هنر را رقم می زنند و باصلاح چارچوب و حدود آن را ترسیم می کنند. در ج ۱۰، مثلاً اگر کسی به هنر موسیقی علاقه ای داشته باشد و بخواهد نواختن یکی از آلات موسیقی را در چهار دیواری خانه اش فرا بگیرد و یار اندیشه ارتقای هنر خود بر آید، باید به قاضی شعبه ۱۷۰ دادگاه کیفری ۲، که به دستور شورایی عالی قضایی، به منظور رسیدگی به این گونه "منکرات" گشایش یافته است، جواب پس بدهد و اگر قاضی که در اینجا، در مقام مجتهد هنر نشسته است، تشخیص بدهد که هنرمند یک سرسوزن پایش را از گلیلم موسیقی اسلامی (۱۴) فراتر نهاده است، نه تنها به حکم وی، بقیه در صفحه ۵

"۲۲ ریه ندان" سالروز تشکیل جمهوری خود مختار کردستان گرامی باد!

آدمدنه کرد قاضی محمد حلقه زدند، و با صدور قطعنامه ای، خودمختاری کردستان در چهارچوب استقلال و تمامیت ارضی ایران را اعلام کردند. این حرکت تاریخی یکی از فرازهای جنبش دموکراتیک همه خلقهای ایران بود که در شرایط شکست فاش و شکل گیری اردوگاه سوسیالیسم، در عرصه بین المللی و فتور دستگاه دیکتاتوری سلطنتی و تقویت جبهه نیروهای ترقیخواه در پهنه ملی، مسیر اعتلا را می پیمود.

گرچه دوران جمهوری کوتاه بود، اما حاکمیت نیروهای مردمی در کردستان، منشاء خدمات پس ارزنده ای در این حیات یازده ماهه گردید. در این مدت کوتاه ارگانهای مردمی شکل گرفت و اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مهمی انجام پذیرفت. این اقدامات آنگنان کشتی در خلق کرد ایجاد بقیه در صفحه ۳

تاریخ آزادی خواهی در کردستان که در تمامی دوران گذشته، صفحاتی بس رنگین داشته و پر از فرازونشیبهای سرنوشت ساز بوده است، ریشه در ظلم و ستمی دارد که طی سالیان متمادی، بر مردم محروم این بخش از میهنمان رفته است. یکی از صفحات بس رنگین این مبارزات قهرمانانه، "۲۲ ریه ندان" (دوم بهمن) ۱۳۲۴ می باشد، فرازی به بلندی و سرخستی "سبی سه نگ" ها و "قه ندیل" ها. "۲۲ ریه ندان" رفتارندومی بود تاریخی با محتوای کاملاً مردمی (خودمختاری برای کردستان - دموکراسی برای ایران) که مردم مبارز کرد با عمل و شرکت گسترده خود، به حمایت همه جانبه از آن برخاسته و با فریادهای زنده باد آزادی و مقاومت دلیرانه و حماسی پیشمرگان، مهر تاییدی بر آن زدند.

در روز دوم بهمن ماه ۱۳۲۴ هزاران تن از مردم شهرها و روستاهای کردستان در شهر مهاباد گرد

گستروش اعتراض علیه رژیم نظامی در پاکستان

نوشته: دل پلین "عصر جدید" شماره ۳

هنگامی که مقامات نظامی پاکستان موفق شدند "کارزار عدم اطاعت عمومی" تابستان-پاییز ۱۹۸۲ را که اپوزیسیون "جنبش برای احیای دموکراسی" سازمان داده بود سرکوب کنند، بسیاری ناظرین غربی بدین نتیجه رسیدند که اپوزیسیون پاکستان برای زمانی طولانی آرام خواهد گرفت و در یک الی دو سال آینده نباید انتظار حرکات نوین را داشت. اما تنها بکارگیری یک طرفند جدید سیاسی از سوی ژنرال ضیا الحق برای تثبیت رژیم نظامی و موقعیت خود وی نظیر اوت ۱۹۸۲ باعث شد اسلام آباد بار دیگر دستخوش ناآرامی های شدید گردد.

این امر، در ۱۹ دسامبر سال پیش، زمانی که مقامات رفرا دوم خود را انجام دادند، روی داد. پاکستانی ها می بایست رای مثبت یا منفی خود را به سیاست دولت مبنی بر اسلامی کردن زندگی اجتماعی می دادند. این انتخاب، زمینه ویژه خود را داشت، زمینه ای که اهمیت آن، چندان کمتر از "اسلامی کردن" نبود. رای مثبت شرکت کنندگان در همه پرس، به معنای تعدید اختیارات پرهزیدنت بقیه در صفحه ۸

۴۲ سال از پیروزی تاریخی ارتش سرخ در استالینگراد گذشت

"ما مرگ را شکست می دهیم!"

اتحاد شوروی، تانهم ماه مه ۱۹۴۵، روز نابودی کامل طاعون فاشیسم در اروپا، در جبهه جنگ شوروی - آلمان، ۶۰۷ لشکر نازی نابود و متلاشی شده و به اسارت در آمدند، یعنی سه برابر کل رقم مشابه در جبهه های شمال آفریقا، ایتالیا و اروپای غربی.

راه برلن بسیار طولانی بود. ۱۴۱۸ شبانه روز، در جبهه ای به طول ۳ هزار تا ۶۲۰۰ کیلومتر سخت ترین نبردها ادامه داشت. مردم شوروی برای پیروزی بهای سنگینی پرداختند. در هر دقیقه، ۹ الی ۱۰ نفر، در هر ساعت ۵۸۷ الی ۵۸۸ نفر و در هر روز بیش از ۱۴ هزار تن جان خود را از دست دادند. بقیه در صفحه ۱۰

در روز ۳۱ ژانویه ۱۹۴۳، نیروهای هیتلری در مرکز شهر استالینگراد خود را به واحدهای پیروزمند ارتش سرخ تسلیم کردند. مارشال پاولوس فرمانده ارتش ششم آلمان نازی و ستاد وی به اسارت درآمدند. یکی از بزرگترین نبردهای تاریخ بشر با پیروزی خلقهای اتحاد شوروی و ارتش سرخ به پایان رسید.

جبهه شوروی - آلمان مهمترین و تعیین کننده ترین جبهه در جنگ جهانی دوم بود. در این جبهه بود که "ورماخت"، ارتش آلمان فاشیست، ۸۰ درصد کل تلفات خود را متحمل گردید. از ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱، تاریخ یورش ناچوانمردانه آلمان هیتلری به

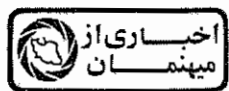
۲۱ ژانویه، شصت و یکمین سالگرد گذشت لنین

"دیروز ساعت شش و پنجاه دقیقه

رفیق لنین درگذشت"

بخش هایی از منظومه بلند "لنین" اثر مایاکوفسکی در صفحه ۷

مجموعه گزارشهایی از زندانهای تهران (۴) در صفحه ۶



اخبار از میهن کارمان

* اعتصاب در کارخانه لاستیک و کفش سازی چم

* تخریب خانه های کارکنان مخابرات

بابولدور

* و و و

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند



بودجه پارسال کمتر است و با این بودجه هزاران مشکل جنگ زدگان لاینحل باقی خواهد ماند. " (کیهان ۱۰ آذر)

از کل همین بودجه بنیاد در سال به مهاجرانی که به اصطلاح شاغل نیستند، روزانه ۱۱ تومان و ۸ ریال مستمری می‌دهند، یک مهاجر با این مبلغ می‌بایست تمام حوایج زندگی خود را برطرف کند. فقر مالی نبودن منبع درآمد قطعی سهیه ارزاق تورم و گرانی سرسام آور خانواده‌های مهاجر واداری کند که برای تامین گذران زندگی، به هر دری بزنند. برخی از آنان در کسار خیابان اجناس کم بهایی را در معرض فروش می‌گذارند تا ممری برای معاش بیابند. مواردی نیز دیده می‌شود که برای گریز از گرسنگی به تکی روی می‌آورند.

بخش عظیمی از نیروی فعال مهاجرین در صف بیکاران کشور قرار دارند. در اکثر مناطق در اثر سیاست های غیر انسانی رژیم، مسئولین وزارت کار با این بهانه که مهاجرین افراد موقت و ناپایدار هستند از ارجاع هر گونه شغلی به آنان خود داری می‌کنند.

نگاهی به آمار ارائه شده در سالنامه آماری سال ۶۲ در مورد وضعیت اشتغال مهاجرین و پراکندگی جغرافیایی آن از فرودین ۶۰، لغایت خرداد سال ۶۲ در پاره‌ای از شهرهای صنعتی و اقتصادی کشور نیز، نشان می‌دهد که دولت هیچ گونه کوششی در راه رفع مسئله بیکاری مهاجرین صورت نداده است.

براساس این گزارش آماری، از مجموع ۸۹۶۵۸۱ مهاجر جنگی در خرداد سال ۶۲ و یک میلیون و دویست هزار نفر (کیهان ۱۰ آذر) در حال حاضر وضع اشتغال مهاجرین در برخی از ۲۴ استان ذکر شده چنین است:

در تهران ۹۸۷ نفر، در استان مرکزی ۶۲۹ نفر، در خوزستان ۲۹۶۲ نفر، در کرمان ۲۵۴ نفر، و در آذربایجان شرقی ۲۴۱ نفر، شاغل هستند. بطور کلی وضع اشتغال مهاجرین در بقیه ۲۴ استان کشور، وضعی مشابه و یابدتر از استانهای یاد شده را دارند.

اینها گوشه‌هایی از رنجی است که مهاجرین در اثر سیاست خائفانه و استقلال بر بادده جنگ افروزان جمهوری اسلامی می‌کنند.

وضعیت فلاکت بار آوارگان جنگی

بقیه از صفحه اول

حتی سرما و گرما بی بهره‌اند. بسیاری از فرزندان این مهاجرین برای مقابله با بیماریها و حتی سرما و گرما بی بهره‌اند. بسیاری از فرزندان این مهاجرین بر اثر یک بیماری ساده و تنها به خاطر بی‌مالتی مسئولین جان خود را از دست می‌دهند. نماینده دیگری در مجلس در این مورد می‌گوید:

"روستائیهایی که بعثت جنگ مهاجرت کرده و جنگزده شدند یک عده از آنها در زیر چادرها زندگی می‌کنند و نمونه آن افرادی هستند که در زیر چادرهایی که در اطراف بهیان، اهواز زده شده در سخت ترین شرایط زندگی می‌کنند. نکته مهم اینکه این شرایط سخت از اول جنگ تاکنون ادامه دارد و طی این مدت ساکنان در شرایط گرما و سرما زندگی کردند، که بعثت گرما و سرما شدید خوزستان فرزندان آنها گرما زده شده و در شرایط سرما مریض شده‌اند و بر اثر سوء تغذیه و وضع رقت بار بهداشتی، بچه‌های آنها اسهال می‌گیرند و بایک اسهال ساده صدعا پنجه جنگزده فوت کردند... عده‌ای از این روستائیان در اطراف شهر زاغه‌هایی درست کرده‌اند، یعنی اگر شا اطراف شهر اهواز را ببینید متوجه می‌شوید که زاغه‌هایی درست شده و بعضی از زاغه‌ها بصورت حلبی آباد درآمده و بعضی از زاغه‌ها کانتینر است."

چنین وضعی برخلاف ادعای مسئولین رژیم محدود به این استان یا آن استان و این شهر یا آن شهر نیست، در تمام نقاط کشور زندگی در زیر چادر و در فضای بسیار تنگ از مشخصه‌های وضع سکونت مهاجرین است. در تاریخ سیردهم آبانماه نماینده اهواز در مجلس اظهار داشت:

"در بیشتر شهرکها، حتی در شهرهای بزرگ می‌بینم هشت نه نفر از یک خانواده همه در یک اتاق ۲ در ۲ زندگی می‌کنند حالانهای چادرهای رامهرمز و شهرک بلال که متأسفانه آقایان آمده‌اند پشت تریبون مجلس گفته‌اند که ما یک مهاجرند داریم که در زیر چادر زندگی کند. همین الان اگر شباه شهرک بلال در رامهرمز مراجعه کنید، می‌بینید که در حدود ۱۴ هزار نفر زیر چادر، ... زندگی می‌کنند."

(اطلاعات ۱۲ آبان)

بودجه مهاجرین و وضع مالی آنها

وضع مالی مهاجرین از مسکن‌شان نیز بدتر و عذاب آورتر است. به بهانه‌های واهی و غیر منطقی جیره آنها قطع می‌شود و مبلغ ناچیزی که بابت تهیه مایحتاج اولیه داده می‌شود، دم بدم کاهش می‌یابد.

بنا به گزارش روزنامه کیهان ۱۰ آذر ماه، بودجه مهاجرین در سال ۶۴ نسبت به سال قبل ۲۵ درصد کاهش پیدا کرده است. همین مبلغ نیز به تمامی پرداخت نگردیده و این بهانه‌ای شده است تا بنیاد به علت عدم پرداخت بودجه، جیره مهاجرین را قطع کند. نماینده خرمشهر در این باره می‌گوید: "به مسئولین بنیاد می‌گویم چرا جیره مهاجرین را قطع کرده‌اید، چرا مشکل مسکن و اشتغال را هنوز نتوانسته‌اید حل کنید، می‌گویید بودجه کم است و می‌گویید ۱۸۰ میلیون تومان از بودجه مصوب ۶ ماهه اول سال ۶۲ را هنوز به ما نداده‌اند." وی در مورد میزان بودجه سال ۶۴ می‌گوید:

"متأسفانه برای سال آینده ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان در هیئت دولت تصویب شده که از

بر اثر تداوم جنگ بی‌معنی و هستی سوز، گریبانگیر بیش از ۱/۵ میلیون زحمتکش جنگ زده میهنمان است. ابعاد این مشکلات چنان است که برخی نمایندگان رژیم نیز در سخنان خود به آن اشاره می‌کنند. نماینده خرمشهر و شادگان درباره وضع آوارگان جنگی می‌گوید:

"مشکلات آوارگان هر روز پیچیده‌تر و انباشته‌تر می‌شود و هم چنان لاینحل باقی مانده است." (کیهان ۱۰ آذر)

مسئله اسکان مهاجرین، مشکل مالی، مسئله اشتغال، بهداشت، آموزش و پرورش فرزندان مهاجرین و دهها مسئله حل نشده دیگر، تکرانی و دلهره فراگیری را به جان جنگ زدگان زحمتکش انداخته است.

نگاهی کوتاه به برخی از این مشکلات تا حدودی می‌تواند سیمای واقعی وضع زندگی مهاجرین جنگی را بنمایاند:

مساله اسکان مهاجرین در تهران و شهرستانها

ساکنین مناطق جنگی که از همان آغاز جنگ از خانه و کاشانه خود رانده شده بودند، در گوشه و کنار کشور در زیر چادرها و یا اماکن خالی اسکان یافتند. در تهران ۱۰ الی ۱۲ مجتمع (خوابگاه) از جمله خوابگاههای دانشجویی، هتلها و دهکده مخصوص بازیهای المپیک به اسکان مهاجرین اختصاص داده شدند چنین مهاجرین به همراه دیگر زحمتکشان، برخی مجتمع‌های مسکونی را نیز مصادره کرده و در آن اسکان یافتند.

در ادامه جنگ و به دنبال خیانت رهبران جمهوری اسلامی و سلطه ارتجاع در حکومت، مرتجعین نه تنها با اسکان مهاجرین در تهران مخالفت ورزیدند بلکه آن دسته از مهاجرینی را نیز که توانسته بودند با هزاران مصیبت، سرپناهی برای خود بیابند، از محلهای مسکونی اخراج کرده و آواره تر ساختند. آنها از جمله تصمیم گرفته‌اند مهاجرین ساکن تهران را به شهرستانها و نیز چادرهای بیابانهای فردیس کرج منتقل کنند. دادگاهها در همین رابطه بی‌وقفه مشغول صدور احکام تخلیه مناطق مسکونی از مهاجرین هستند. یکی از نمایندگان مجلس در مورد وضع مسکن و احکام تخلیه صادره توسط دادگاهها می‌گوید:

"حکم تخلیه، بزرگترین مشکل مسکن مهاجرین است. این عزیزان تاکنون یا در خوابگاهها و خانه‌های متعلق به نهادها و ادارات و اشخاص زندگی کرده‌اند که مرتباً از طرف بعضی از آنها جهت تخلیه در فشار هستند و متأسفانه قوه قضاییه بدون توجه به مصیبت آنها مرتباً حکم تخلیه صادر می‌کند و بر مشکلات می‌افزاید.

مهاجرین یا در چادرها و کپرها زندگی می‌کنند و چندین نفر در یک اتاق و گاهی چند خانواده در یک اتاق."

در شهرستانها وضع زندگی مهاجرین از این هم اسفبارتر و رقت انگیزتر است، بنا به اعتراف خود مسئولان رژیم مهاجرین در شهرستانها در زیر چادرها، زاغه‌ها، کپرها و کانتینرها در سخت ترین شرایط زندگی می‌کنند. آنها در این مناطق از حداقل امکانات زیستی و بهداشتی برای مقابله با بیماریها و

اعلام حمايت هاي بين المللي از مبارزات کارگران ذوب آهن اصفهان ادامه دارد

اعتصاب پرشکوه و گسترده کارگران ذوب آهن اصفهان موج نیرومند همبستگی بین المللی با کارگران اعتصابی و نیز ابراز تنفر از سیاستهای سرکوبگرانه و پایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی را در پی داشته است. در شماره های پیشین برخی از آنها را منعکس کرده بودیم. در این شماره دو نمونه دیگر را از ایتالیا و کانادا درج می نماییم.

ایتالیا

فدراسیون آیتالیائی سندیکاهای متحده استان امیلیا - رماینا در ایتالیا علی بیانی ای ضمن محکوم کردن سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی همبستگی خود را با کارگران اعتصابی ذوب آهن اصفهان اعلام داشته است. در قسمتی از بیانییه مزبور درباره سیاستهای رژیم آمده است: "به خیلی از تناقضات اجتماعی و سیاسی که از طرف خود رژیم ایجاد گشته، و با طولانی شدن جنگ مخرب و بیفایده به وخامت گرایده، و به اعتراض فزاینده زحمتکشان و به تمام آنهایی که خواهان احترام به حقوق مدنی و دموکراتیک هستند، باز هم با اختناق و کشتار جواب داده می شود.

ما همبستگی تام خودمان را با ده هزار آهن گدازان اصفهان و با تمام زحمتکشان و شهروندان ایرانی که در وطن خود و در مهاجرت برای آزادی و دموکراسی و ترقی اجتماعی و اقتصادی مبارزه می کنند تجدید می نماییم."

لازم به تذکر است سندیکاهای متحده ایتالیا مرکب است از کنفدراسیونهای سراسری ایتالیایی کار، کنفدراسیون ایتالیائی سندیکاهای زحمتکشان و اتحادیه ایتالیایی کار

پاکستان

اتحادیه کارگران راه آهن پاکستان - واحد کراچی در حمایت از کارگران ذوب آهن اصفهان یک بیانییه مطبوعاتی صادر نمود که در روزنامه اردو زبان امن یکی از پرتیراژترین روزنامه های پاکستان به چاپ رسیده است. متن بیانییه بدینقرار است:

"آقای منظور احمد و آقای ا. ز صدیقی صدور و دبیر اتحادیه کارگران راه آهن - واحد کراچی سردمداران رژیم ایران را بیخاطر بکارگیری شیوه های شیطانی بمنظور پیکرد و قربانی نمودن کارگران ذوب آهن ایران شدیداً محکوم می نمایم.

هر دوره هر خواستار اتحاد عمل تمامی اتحادیه ها و فدراسیون های کارگری کشور بر علیه روشهای بیرحمانه و دمدشانه متداول در کشور همسایه ایران گردیدند."

لازم به تذکر است که اتحادیه کارگران راه آهن دارای ۱۲۲ هزار عضو می باشد و بزرگترین اتحادیه کارگری کشور پاکستان است.

"۲۲ ربه ندان" سالروز تشکیل جمهوری خود مختار کردستان، گرمی باد!



قاسبي محمد رهبر جمهوری خود مختار کردستان

بقیه از صفحه اول

نمود که نه تنها خاطره آن مرکز فراموش نشد، بلکه حتی نسل های بعدی را شیفته ساخت و انگیزه تداوم جنبش ملی گردید.

یکی از ویژگیهای برجسته این جنبش مردمی، پیوند ژرف آن با جنبش دموکراتیک آذربایجان و مبارزات سراسری مردم ایران بود و در این راه کام بزرگی که جمهوری برده است، پیشنهادی بود که طی نامه ای به جبهه نیروهای دموکراتیک آن زمان، متشکل از حزب توده ایران و حزب ایران، اعلام شد و مورد پشتیبانی همه نیروهای مردمی قرار گرفت و به عنوان پیروزی بزرگی تلقی گردید.

مضمون طبقاتی پیشرونده این جنبش، هدفهای دموکراتیکی که بر محور رفع ستم ملی در پیش رو داشت و تاثیر آن بر روی مبارزات سراسری مردم ایران، طبیعتاً طبقات حاکم، مرتجعین و عوامل امپریالیسم را در برابر آن قرار می داد. دشمنان خود مختاری کردستان و دموکراسی ایران، حملات خود را علیه جمهوری کردستان متمرکز ساخته و تبلیغات ننگینی را، علیه حقوق ملی خلقهای ایران و در جهت ایجاد تفرقه در بین مجموعه جنبش دموکراتیک و نهایتاً سرکوب خونین آن به راه انداختند.

بعد از شکست مفتضحانه نیروهای دولتی در یورش به جمهوری نوپای کردستان، همه کوشش مرتجعین بر این قرار گرفت که وانمود سازند که جنبش ملی در کردستان و نیز در آذربایجان به اتحاد شوروی وابسته است. هیات نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران، در پاسخ به این تبلیغات ارتجاعی اعلام داشت: "یکی از اهداف ما همانا دموکراسی است، آن چیزی که هدف تمامی نیروهای آزادیخواه ایران است. مبارزات ما هیچکاری بر حق و ندای زحمتکشان و آزادیخواهان کردستان می باشد، لذا طبیعی است که مورد پشتیبانی همه نیروهای آزادیخواه جهان از جمله اتحاد شوروی قرار گیرد. ما اتحاد شوروی را دوست و پشتیبان همه خلقهای جهان می دانیم و این با دموکراسی و آزادی برای ایران، مغایرت ندارد."

جمهوری کردستان، بالاخره مورد هجوم همه جانبه دشمنان خلق گرفت. در آذرماه ۱۳۲۵ ارتش شاهنشاهی به شهر مهاباد یورش برد، مردم را به خاک و خون کشید و سربران خلق کرد، قاضی محمد و همزمانش را در میدان "چوارچرا"ی مهاباد به دار

آویخت اما مشعل این جنبش همواره فروزان ماند. انقلاب بهمن، به جنبش ملی در کردستان توان بی نظیری داد. جنبش پا در مرحله ای نهاد که به لحاظ گستردگی به مراتب از دوره های پیشین توانمندتر بود. اما این بار نیز ارتجاع در برابر خواستهای به حق خلق کرد ایستادگی کرد و برای سرکوب جنبش به وحشیانه ترین شیوه ها متوسل گردید: کشتار دسته جمعی، بمباران، کوچ اجباری ... و

جمهوری اسلامی پی در پی بر میزان فشار خود بر خلق کرد می افزود. تمرکز نیروهای سرکوبگر در کردستان به حد بی سابقه ای رسیده است. روزی نیست که روستایی مورد حمله قرار نگیرد و جمعی از زحمتکشان کرد در راه اهداف والايش شهید نترددند. مقاومت دلیرانه خلق کرد در برابر سرکوبهای مستمر و نیروهای ارتجاعی چه در دوران شاه معدوم و چه در زمان حاکمیت خائنین به انقلاب، بر توانمندی و ژرفای این جنبش دلالت دارد. جنبشی تا این حد مصمم و پر قدرت، در پیوند خود با جنبش سراسری، ره به پیروزی خواهد برد.

از قطعنامه پلنوم مهرماه ۶۲ کمیته مرکزی سازمان، درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده ای و وظایف ما: جنبش ملی خلق کرد که برای تامین خود مختاری برای کردستان مبارزه میکند، جن تکلیک نا پذیر جنبش ملی - دموکراتیک مردم ایران است. علیرغم لشکر کشی نظامی مکرر به کردستان، علیرغم بمباران وحشیانه و قتل عام های بیرحمانه مردم بهنگاه، رژیم از درهم شکستن جنبش ملی خلق کرد عاجز مانده است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) لشکر کشی به کردستان و سرکوب وحشیانه مردم، قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم میکند و مردم سراسر ایران را به مبارزه علیه جنایات هیات حاکمه جمهوری اسلامی در کردستان و دفاع از خواستهای بر حق خلق کرد فرا میخواند. سازمان پیکرانه از مبارزه عادلانه مردم کردستان در راه کسب خود مختاری پشتیبانی میکند.

پیروز باد مبارزات خلق کرد در راه خود مختاری و رفع ستم ملی!

از میان رویدادها



تصویب کلیات لایحه فعالیت بخش خصوصی

"مجلس شورای اسلامی" بحث درباره "لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" را آغاز کرده است. ارائه کنندگان طرح، هدف آن را "روشن کردن تکلیف سرمایه‌های سرگردان" و ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری اعلام کرده‌اند. در ماده ۵ این لایحه آمده است "فعالیت بخش خصوصی در کلیه صنایعی که قانون اساسی آنها را در اختیار دولت قرار داده است با رعایت قوانین مربوطه آزاد است." در فصل "سهم عوامل تولید در فعالیت بخش صنعتی" مقام و موقعیت نیروی کار در جمهوری اسلامی بر اساس "باب اجاره" فقه اسلامی تعیین گردیده است. لازم به یادآوری است قانون کار جمهوری اسلامی از حدود سه سال پیش تاکنون به علت گنجاننده مسئله حقوق کار در چارچوب قوانین "باب اجاره" (بر اساس "کارگر مال الاجاره است") با مقاومت پیگیر طبقه کارگر روبرو است و رژیم هنوز نتوانسته است آن را از تصویب بگذارد. اینک تدوین کنندگان لایحه بخش خصوصی می‌خواهند کاری را که از دست توکل و سرحدی زاده بر نیامده، خود انجام دهند. یکی از موافقین لایحه گفت: "همین مساله برنج درست نشد، الا آن موقعی که آن را آزاد اعلام کردند. بگذارید ما این کارها را انجام بدهیم. فعالیت تولیدی بخش خصوصی می‌تواند بطور فردی یا دسته جمعی مشغول کار باشد. این چه اشکالی دارد که شما با آن مخالفت می‌کنید... دست بخش خصوصی را باز بگذاریم و کاری با کار مردم نداشته باشیم. مردم با آغوش باز به کار خود خواهند پرداخت." مخالفین لایحه، پیشنهاد مسکوت ماندن آن را به مدت ۶ ماه ارائه دادند که به تصویب نرسید. مجلس، به کلیات لایحه مژبور رای مثبت داد.

بررسی طرح قانون مطبوعات در مجلس

روز پنجشنبه ۲۷ دیماه طرح قانون مطبوعات در "مجلس شورای اسلامی" مطرح گردید. در این طرح ۲۸ ماده‌ای، از جمله، "نشر مطالب الحادی و انحرافی... و مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند"، "تحریش و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج"، "انتشار مذاکرات سری مجلس شورای اسلامی و محاکم دادگستری و تحقیقات مراجع قضائی"، "افترا و توهین به مقامات، نهادها و ارگانها... اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور"، "نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی)" جزم قلمداد شده است.

یکی از نمایندگان اظهار داشت: در این طرح مطبوعات به صورتی مطرح شده است که هر وزیری بر اساس سلیقه شخصی بتواند مسائل را در این رابطه

اعمال کند... اگر این طرح بخواهد اجرا شود فردا تمام مطبوعات کشور باید تعطیل شوند بدلیل اینکه یک کلمه نمی‌شود نوشت که برخورد با شخصی و مطلبی از جایی نباشد."

نماینده دیگری گفت اگر به مطبوعات "آزادی انتقاد" داده شود تیراژشان هم بالایی‌رود و مردم هم مطبوعات می‌خوانند و اینقدر در محافل خصوصی و در مجالس، خیابان و اتوبوس مردم نق نمی‌زنند. مردم حرفشان را در روزنامه‌ها می‌زنند ما می‌حرف را نمی‌زنیم و آن را سانسوری می‌کنیم، این منجر می‌شود به انتقادهای شخصی در اتوبوس وصف اتوبوس و این طرف و آن طرف. بعد منجر به انفجار..."

شورای نگهبان، لایحه معافیت اسلحه از حقوق گمرکی را تصویب کرد

شورای نگهبان لایحه‌ای را مورد تایید قرار داد که در تاریخ ۲۷ آبان سال جاری به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود و به موجب آن، "اسلحه و مهمات تجهیزات جنگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (ارتش - ژاندارمری - شهربانی) و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کمیته‌های انقلاب اسلامی ایران از بازرسی و پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و کلیه عوارض و هزینه‌ها" معاف شده است. این معافیت، اسلحه و مهمات و تجهیزات جنگی، سلاح، نقلیه، لوازم مخابراتی و مواصلاتی، تجهیزات نظامی و انتظامی، مواد اولیه ساخت مهمات، ماشین آلات و لوازم مربوط به ساخت اسلحه و مهمات و قطعات یدکی مربوط به اقلام یاد شده را در برمی‌گیرد. این گونه محموله‌ها مورد ارزیابی، بازرسی و بازبینی قرار نخواهد گرفت.

آنچه مسلم است، اینست که تصویب این قانون گامی است در جهت فراهم آوردن شرایط گسترش و تسریع بازم مهمات معاملات پنهان با انحصارات تسلیحاتی و دلالان بین‌المللی آنها. رژیم که از افشای این خیانت به منافع مردم ایران هراس دارد، اینک با تصویب پرشتاب چنین لایحه‌ای می‌خواهد معاملات نامبرده را از دید "اغیار" دور نگه دارد. همچنین معاف شدن ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی از پرداخت هزینه‌های گمرکی (در حالیکه بخش بزرگی از واردات کشور را احتیاجات این نهادها تشکیل می‌دهد) و خارج ساختن آنها از حیطه هرگونه کنترلی، به معنای تحکیم آشکار موقعیت این ارگانها در حاکمیت جمهوری اسلامی است، حاکمیتی که بطور فزاینده ناچار است برای ادامه حیات خود به ارگانهای سرکوب متوسل گردد.

آمار واردات و صادرات غیر نفتی: کارنامه فتنی

سازمان گمرک آمار صادرات و واردات کشور در آذرماه سال ۶۲ را اعلام کرد. این آمار، براساس کارنامه فتنی جمهوری اسلامی است. طبق این آمار: در آذرماه سال ۶۲ مقدار ۱۲۷۹۷۲۵ تن کالا

به گمرکات عمده کشور وارد و مقدار ۱۳۶۲۵۵۵ تن بارگیری و مقدار ۱۴۱۵۶۲۴ تن ترخیص گردیده است. صادرات کشور در ماه مذکور مقدار ۹۸۹۹ تن

بوده است. (به عبارت دیگر کمتر از یک صدم واردات!!)

ارزش واردات ۷۷ میلیارد ریال و ارزش صادرات ۲ میلیارد ریال بوده است.

وزن کالای وارده نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲۸/۷۷ درصد کاهش داشته و کالای ترخیص شده نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲۸/۲ درصد از نظر وزن کاهش داشته و ۵۲/۱ درصد از لحاظ ارزش کاهش نشان می‌دهد (که بازتاب کاهش صادرات نفت و در نتیجه کاهش منابع ارزی جمهوری اسلامی است).

ارزش صادرات نسبت به آذرماه ۶۲، ۵۶/۸۰ درصد از نظر وزن و ۴۲/۸ درصد از نظر ارزش کاهش داشته است.

سفر نبوی به ترکیه

بهزاد نبوی وزیر صنایع جمهوری اسلامی در رأس یک هیات اقتصادی و تجاری وارد ترکیه شد. این هیات با مقامات رژیم ترکیه گفتگوهای در زمینه افزایش بازم بیشتر مبادلات تجاری دو کشور انجام می‌دهد. در دستور کار مذاکرات، صدور واکسن، کشتی و سیگار به ایران و نیز پالایش نفت خام ایران در پالایشگاههای ترکیه قرار دارد. لازم به یادآوری است که بخش بزرگی از صادرات ترکیه به ایران، در چارچوب ایفای نقش واسطه توسط این کشور و شعب شرکت‌های چند ملیتی امپریالیستی در ترکیه انجام می‌گیرد. جمهوری اسلامی از این طریق معمولاً برای کالاهای وارداتی، بهایی به مراتب بیش از قیمت آن در معامله مستقیم می‌پردازد.

بهزاد نبوی در آنکارا گفت: "مناسبات تاریخی ایران و ترکیه پس از انقلاب اسلامی وارد مرحله تازه‌ای شده و پیشرفت فوق العاده‌ای داشته است بطوریکه حجم مبادلات تجاری دو کشور در سال ۱۹۷۸ از ۲۲ میلیون دلار به ۲/۵ میلیارد دلار در سال گذشته افزایش یافته است."

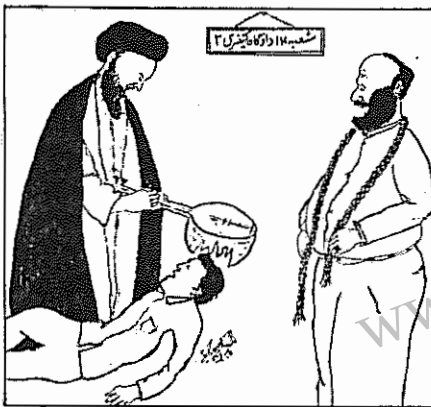
تلاش مجدد برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق

اتحادیه عرب تلاش مجددی را برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق آغاز کرده است. شاذلی قلیبی دبیر کل این اتحادیه اظهار داشت کمیسیون عربی بررسی جنگ، ایران و عراق که جلسات آن ادامه دارد طرح اقدامات آتیه برای دوماه آینده را بررسی کرد. وی گفت کمیسیون بازم کوششهایی در راستای قطع هر چه سریعتر جنگ و حل مسالمت آمیز اختلافات به کار خواهد گرفت. اعضای این کمیسیون از پاره‌ای کشورها به منظور جلب توجه خلقها به پیامدهای خطرناک ادامه مناقشه ایران و عراق، نه تنها منطقه، کرد. قلیبی افزود جنگ ایران و عراق، نه تنها منطقه، بلکه امنیت سراسر جهان را تهدید می‌کند.

از سوی دیگر سران جمهوری اسلامی همچنان به نطقها و موضعگیریهای خود در دفاع از جنگ ادامه می‌دهند. خامنه‌ای رئیس جمهور ملی یک سخنرانی (مندرج در مطبوعات ۲۵ دی) ضمن تاکید مجدد بر اینکه سیاست دولت "هر چه بیشتر در خدمت جنگ بودن است" مدعی گردید اگر عراق از سوی کشورهای دیگر حمایت نمی‌شد، "طرف یک هفته... کار جنگ یکسر" می‌شد.

موسیقی را دارند، در صورتی که فقط خودشان استفاده کنند از طرف دادگاه بدون مانع است. ولابد اگر این افراد، در اثر غفلت و سهولت، آلت موسیقی خود را، در جایی بگذارند که دست فرد دیگری غیر از خودشان، آثرا لمس کند، در اینصورت سروکار آنها نیز، مانند افراد بی مجوز با شلاق و حبس خواهد بود.

ناگفته نماند که این شعبه جدید التاسیس، مشغله‌های دیگری هم دارد و کارش صرفاً رسیدگی به "منکرات هنری" نیست، بلکه حوزه فعالیتش، دین "منکرات" را نیز شامل می‌شود که عمدتاً به زندگی خصوصی مردم مربوط می‌شود. بعنوان مثال، اگر برای این دادگاه کاشف بعمل آید که خانواده‌ای برای فرزند ان خود، جشن تولد ترتیب داده‌اند، و در این جشن بر لبهایشان خنده نشسته و بر چهره‌هاشان رنک شادی دوبده است، قاضی این شعبه مؤلف است "مرتکبین این عمل منکر" را به دادگاه فراخواند و حکم شرعی و حدود اسلامی را، در موردشان جاری سازد، تا بدین ترتیب متوجه باشند که دیگر بجای مراسم "تشییع و تدفین" برای فرزندانشان، اقدام به "اعمال منکری" از این قبیل ننمایند.



عقوبت اعتراض

یک نماینده مجلس:

"مردم متعهد کشور... تحمل کمبودها و سختی در بعضی موارد تبعیض‌ها و برخورد های نادرست را به حساب خود گذارده و زبان از بدگویی نظام جمهوری اسلامی نتهدارند و بدانند که ممکن است در اثر یک کلمه گفتن چهره نظام در مزاجهای مستعد بیش از حد مشوه گردد و پیامدهای آن ناگوار باشد که بهیچوجه قابل جبران نخواهد بود. که خداوند قسم یاد کرد عقوبتی از زبان بکند که هیچ یک از جوارح را آنگونه عذاب نکرده باشد." (کیهان - ۲۶ دی)

نظام بانکداری بدون ربا! و وام مسکن

وزیر مسکن و شهرسازی:

"اگر به یک فرهنگی یا کاسب و هر محرومی از جامعه فرضا با حقوق ۴ هزار تومان درآمد یک قطعه زمین و احیاناً با وام دراز مدت حدود ۴۰۰ هزار تومان بدهیم بر اساس نظام جدید بانکی که با مشارکت مدنی انجام می‌شود بعد از ۱۶ سال تقریباً به ۸۰۰ هزار تومان می‌رسد. و اگر ۸۰۰ هزار تومان را بر ۱۶ سال تقسیم کنیم دوباره به ماهی ۴ هزار تومان می‌رسد یعنی یک کس که حقوقش ۴ هزار تومان است صد درصد این چهار هزار تومان وام را باید بدهد." (جمهوری اسلامی - ۲۶ دی)

بقیه از صفحه اول

رابطه شعبه ۱۷۰۰۰۰

آلت موسیقی شخص "نابود و معدوم می‌گردد" که خود شخص نیز شدیداً "تعزیر می‌شود" تا دیگر هوس نواختن موسیقی "غیر شرعی" به سرش نزنند.

از نظر این دادگاه - آنگونه که در مصاحبه رئیس شعبه ۱۷۰ در مصاحبه باروزنامه کیهان نوزده دیماه گفته شد - آلات و ابزار موسیقی، عموماً "وسيله لهو و لعب" هستند و هر کسی که این وسایل را در اختیار داشته باشد "در وهله اول فرد استفاده کننده مورد نظر قرار می‌گیرد و بی‌گیری می‌شود که هدفش از استفاده از این وسیله چه بوده است؟" و اگر هم از نظر دادگاه مشخص نشود که "هدف چه بوده؟" باز "این افراد طبق ماده ۱۲ قانون جزایی مرتکب جرم شده‌اند" چرا که آلت و ابزار موسیقی در خانه‌شان دارند و "بر حسب تقاضای دادستان محترم کل و حکم دادگاه دستور ضبط وسایل صادر می‌گردد ولو آنکه کسی را در این رابطه نشود تعقیب یا محکوم نمود. دادگاه حق دارد دستور دهد اشیاء ضبط شده از دسترس عموم خارج و نابود گردد" و اگر قاضی تشخیص داد که نه خیر، از این وسایل استفاده "غیر شرعی" شده، در این صورت، باید اجرای "حدود" را تحمل نماید.

و اما شعبه ۱۷۰ دادگاه کیفری ۲، در زمینه "معدوم و نابود کردن تمام وسایل موجود موسیقی، با مشکل کوچکی هم مواجه است. رژیم، بالاخره برای ضجه‌ها و مرثیه‌های شوم و ملال آورش، احتیاج به آلات و ابزار موسیقی و نوازنده دارد. از همینرو نیز، وزارت ارشاد اسلامی به عده‌ای مجوز داشتن این وسایل را داده است. این مجوز برای این شعبه، مشکل می‌نماید. اخیراً، برای این گونه افراد نیز، حساب تقریباً جداگانه‌ای باز کرده است. شعبه ۱۷۰ دادگاه کیفری ۲، معتقد است "کسانی که از طرف وزارت ارشاد اسلامی مجوز قانونی برای استفاده از بعضی وسایل

همچنین روزنامه‌های پنجشنبه ۲۷ دی گزارش دادند "هزاران نفر" بار دیگر از تهران و سایر شهرستانها عازم جبهه شده‌اند. این نیروها واحدهای بسیج را تشکیل می‌دهند.

کارزار ضد اتیوپیایی جمهوری اسلامی همدستی با امپریالیسم

فاجعه قحطی در کشورهای آفریقایی، از جمله در اتیوپی، که عمدتاً ریشه در تقسیم نابرابر ثروتها و منابع متعلق به تمام بشریت بر اثر غارتگری و سودجویی انحصارات امپریالیستی دارد، بهانه‌ای به دست دستگاه تبلیغاتی امپریالیستها و مرتجعین، از جمله رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی داد تا علیه انقلاب و دولت مردمی اتیوپی دست به سم پاشی و لجن پراکنی زنند. در کشوری که اکثریت مردم آن، با وجود منابع عظیم ثروت ملی که قابل مقایسه با کشوری نظیر اتیوپی نیست، با فقر، بی‌بهداشتی، بیکاری، عدم تامین اجتماعی و نیز گرسنگی و سوء تغذیه روبرو هستند، مسئولین دولتی و سخت‌گویان حکومت و نیز رسانه‌ها و مطبوعات در نهایت بی‌شرمی مدافع آتشین ا قحطی زدگان اتیوپیایی شدند و هر آنچه در توان داشتند به کار بردند تا نظیر سایر مرتجعین جهان، فاجعه طبیعی نامبرده را دستاویز حملات رذیله‌ها و کارزار تبلیغاتی ضد اتیوپیایی قرار دهند. جمهوری اسلامی برای عوامریبی و نیز - آنچنانکه بعداً روشن شد - سمداخله در امور کشور مستقل اتیوپی، با مهابه و جنجال بسیار اعلام کرد که از طریق "هلال احمر" خود کمک‌هایی را به آسیب دیدگان قحطی در اتیوپی خواهد رساند و تحت همین عنوان کمک‌هایی را از مردم جمع‌آوری نمودند. اینک اظهارات خود مسئولین رژیم، پرده از ماهیت واقعی این اقدامات برداشته است.

سرپرست "هلال احمر" جمهوری اسلامی در یک مصاحبه گفت ارگانهای جمهوری اسلامی شرط "کمک" به قحطی زدگان اتیوپی را این قرار دادند که هلال احمر جمهوری اسلامی در منطقه یک اردوگاه پنج هزار نفری ایجاد کند و کلیه امور آن را در دست بگیرد! مسئول نامبرده افزوده است: "ولی متأسفانه با این امر موافقت نشد... به همین علت ما نسبت به کمکهای آینده خود به آن منطقه تجدید نظر کردیم..." (۱۱)

نگه‌ای که در این رابطه قابل ذکر است، این است که شیوه برخورد مسئولین جمهوری اسلامی به مسئله قحطی در اتیوپی، تطابق کامل با موضعگیریها و عملکرد کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی با این امر دارد، و در این زمینه، یک همکاری ضمنی گسترده میان همه کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی در قالب یک کارزار ضد اتیوپیایی صورت گرفت. کشورهای امپریالیستی نیز با تبلیغات فراوان، و دم زدن از لزوم کمک به ترسناک اتیوپی، از یک سو موضوع را برای لجن‌پاشی علیه انقلاب اتیوپی مورد سوء استفاده قرار دادند و از سوی دیگر، در چارچوب برنامه‌های به اصطلاح کمک، دست به عملیات مداخله‌گرانه در این کشور زدند. مثلاً درواشنگتن فاش شد که دولت آمریکایی کمک نظامی و تسلیحاتی به اشرار ضد انقلابی "ارپتره" را مورد تصویب قرار داده است که قرار است در پوشش برنامه‌های "کمک رسانی" انجام گیرد.

در حاشیه

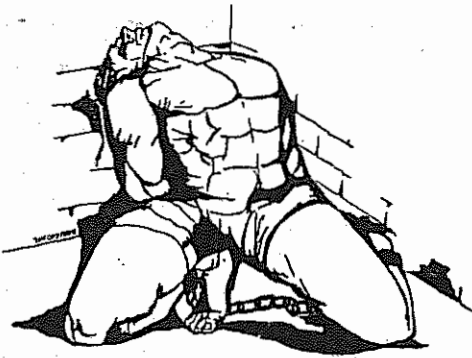
"آشکار کردن برخی مسائل خیانت است"

صانعی دادستان کل کشور:

"سخن گفتن از مسائل اقتصادی اگر تضعیف رهبری و حکومت نکند جایز است. مراقب باشید سخنانتان اختلاف انگیز نباشد و دشمن از آن سوء استفاده کند... مصالح مربوط به حکومت و نظام که آشکار کردنش برای نظام و حکومت اسلامی ضرر دارد خیانت درامانت است به خدای پیامبر و خودش. زیرا اگر حکومت اسلامی تضعیف شد مردم از صحنه کنار رفتند سلاحها و نیروهای مسلح نمی‌توانند کاری کنند. زیرا نظام اسلامی با عقاید و احساسات مذهبی مردم بنیانگذاری شده است و لذا آشکار کردن برخی از مسائل که موجب تضعیف حکومت اسلامی شود خیانت است... نکند که مادر محافل عمومی و خصوصی آنچنان سخن بگوئیم که خوبان از صحنه کنار روند."

(کیهان - ۲۹ دی)

مجموعه گزارشهای از زندانهای تهران (۴)



ادامه گزارش از زندان اوین:

تصویرهایی از اوین

هیچ گزارشی نمی‌تواند مدعی باشد که تصویر کاملی از "اوین" به دست می‌دهد. به یک اعتبار شاید کاملترین تصویر کوتاه‌ترین آنها باشد:

دیوار "الله اکبر" را در نظر آورید، ۱۰۰ نفر، ۱۵۰ نفر، ۲۰۰ نفر، ۴۰۰ نفر، ... از بهترین فرزندان خلق با قامتی رشید در کنار آن صف کشیده‌اند. غریب‌شعاری برمی‌خیزد. دژخیمی باهراس فرمان آتش می‌دهد. بوی باروت با بوی خون درمی‌آمیزد.

و حال به درون بندها بنگرید: در میان سکوت صدای حق‌گریه‌ای برمی‌خیزد. دند آنها از خشم بر هم ساییده می‌شوند و مشت‌ها گره می‌گردند، به نشانه خشم، به نشانه نفرت، به نشانه استواری اراده‌هایی که مرگ را به سخره می‌گیرند.

به بریده‌هایی از گزارشهای مختلف نظر می‌افکنیم:

"... داشتم از درد به خود می‌پیچیدم، شلاق بی‌دری پی‌پائین می‌آمد، بیشتر گمان می‌کردم فولاد کداخته‌ای را بر کف پایم می‌کشند. ناکهان شکنجه‌گر با شنیدن صدای یک پاسدار شلاق زدن را متوقف کرد: شمرده‌تر بزنی ولی مداوم. مال من همین الان نغله شد. نذار این یکی هم نغله بشود. اینها از مردن بدشان نمی‌آید. باید کاری کرد که در آرزوی مردن، بپیرند."

"... اسمش مریم بود. اسم فامیلش اگر درست یادم باشد اکبری. او با یک ضربه مشت مرد. بچه‌ها می‌گویند به روی باز جوتف کرد. آن جلاد هم بامشت به کیچکاش کوبید."

"... تا قبل از این که به اوین بروم نمی‌دانستم جنایت به درستی یعنی چه، نمی‌دانستم سقوط و جلادی تا چه حد میسر است. همان شب اول صدای رگبار برخاست و بعد تیرهای خلاص. بی‌گمان بیشتر از ۷۰ نفر را اعدام کردند. آنوقت کلمات تباهی و جنایت در ذهنم معنی روشنی پیدا کردند."

"... توی اتاق جدید که وارد شدم بچه‌ها خیلی گرفته بودند. علت را پرسیدم. گفتند دیشب دو نفر از این اتاق را اعدام کردند. هر دو مردادگاه به ۱۵ سال محکوم شده بودند!"

"... اسمش حسین بود. یک شبانروز با هم در یک سلول بودیم. من تازه دستگیر شده بودم ولی او بیشتر از یک سال از اسارتش می‌گذشت. مسائل جدیدی در رابطه با او رفته بود و به همین دلیل دوباره زیر بازجویی قرار گرفته بود. بدنش از شدت

شکنجه آتش و لاش بود اما روحیه خیلی خوبی داشت. زود با هم اخت شدیم. اصرار داشت تند تند اخبار بیرون را برایش بگویم. مرتب سوال می‌کرد. داشتم از تقاضاها افسریه برای او تعریف می‌کردم که پاسداری آمد و او را با خود برد. برای همیشه. یادم می‌آید که وقتی پاسدار در سلول را باز کرد اخمهایش توی هم رفت. مسلماً آنها به این دلیل که نتوانسته بود ماجرار را تا آخرش بشنود."

"... یک شب تقریباً یک ساعت بعد از بلند شدن صدای شلیک جوخه اعدام ناکهان در سلول باز شد و لاجوردی با آن قیافه کریهش وارد سلول گردید. همه فکر کردند که چی شده. لاجوردی گفت آمده‌ام یکبار دیگر به شما بگویم که کارتان زار است. به فکر بیرون نباید باشید. تازه اگر در بیرون خبری شود ما همه شما را اعدام می‌کنیم."

آنگاه همه ما را چشم‌بند زدند و بایک شورت و پیراهن در هوای سرد زمستانی به حیاط بردند. بچه‌ها خیال می‌کردند که ما را هم این موقع شب برای اعدام می‌برند. اما قضیه چیز دیگری بود. ما را در حیاط اوین جمع کردند و بعد گفتند که چشم بندهایمان را باز کنیم. جلوی چشمان به تاوانت بار، پراز جسد قرار داشت. لاجوردی کنار یک وانت ایستاد و شروع کرد به سخنرانی: آخر و عاقبت همه شما این است. ما یک نفر را هم نمی‌گذاریم سالم از دستتان در برود. من به شما می‌فهمانم که جمهوری اسلامی یعنی چه..."

"... یک شب ناکهان در سلول را باز کرد و گفت محسن... بیاد بیرون! چند دقیقه قبل از آن صدای شلیک می‌آمد و معلوم بود که دارند اعدام می‌کنند. حدس زدم محسن را هم برای اعدام برده‌اند. همه غمگین نشسته بودیم که حدود یک ساعت بعد در سلول باز شد و محسن که لباسهای خاکی و خون آلود بود آمد تو. خیال کردیم او را برده و کتک زده‌اند. اما بعد از چند لحظه جریان را فهمیدیم. محسن در حالی که بغض گلویش را گرفته بود به صدا آمد و گفت نامردها مرا بردند و با یک نفر دیگر مجبورمان کردند جنازه‌های اعدام شده‌ها را که بیست و هفت هشت نفر بودند داخل وانت بریزیم. از آن به بعد محسن که یک کارگر مفرمند بود یک حالت شوکه پیدا کرد. اصلاً نه می‌توانست غذا بخورد و نه می‌توانست بخوابد. خوب شد که مدت سه سال زندانش تمام شد و گرنه با آن وضع حتماً می‌مرد."

"... تلویزیون اوین گاهی از اعدام شده‌ها نیز مصاحبه پخش می‌کند. دو برادر را که قرار بود آزاد شوند یک شب بردند و اعدامشان کردند و بدنبالش مصاحبه‌ای پخش کردند که آنها می‌خواستند اهل فلان و بهمان کنند."

"... زندانیان سلول ما اکثراً چپ بودند و

از زندانیان زمان شاه. به همین جهت هر وقت لاجوردی به سلول ما سر می‌زد این تکیه کلام معروفش را تکرار می‌کرد که "از نظر ما رئیس کل ساواک بهتر از یک کمونیست هیچ کاره است." او همیشه شاخ و شانه می‌کشید، تهدید می‌کرد و می‌گفت از آن جهت از شاه بدش می‌آید که همه فدایی‌ها، و مجاهدین و توده‌ایهای زندانی را تیرباران نکرد تا برای رژیم جمهوری اسلامی اسباب دردسر نشوند."

"... چه در قزل حصار و چه در اوین، بر اثر فشار شکنجه‌های جسمی و روانی، عده قابل توجهی از زندانیان، دچار روان‌پریشی شده‌اند، به طوری که در هر بندی حداقل ۵ نفر در چنین وضعی بسر می‌برند. در اوین حتی برای زندانیانی که روانی شدنشان برای دادستانی محرز شده یک اتاق ویژه در نظر گرفته‌اند. اتاق ۲۹ در سالن یک آموزشگاه."

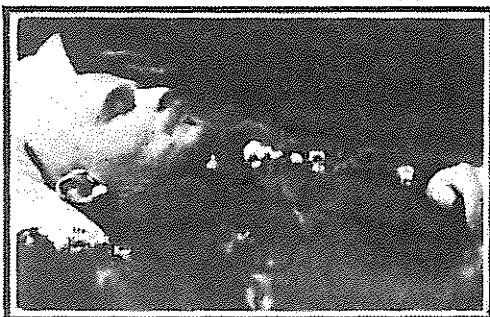
"... در اوین زندانیان زیادی وجود دارند که دادستانی از آنها مدرکی ندارد و فقط حدس می‌زنند هوادار این یا آن سازمان باشند. بعضی از آنها بیش از دو سال است که بلا تکلیف هستند. نه به آنها محکومیت مشخصی می‌دهند و نه آزادشان می‌کنند. هراز گاهی آنها را به دادستانی فرا می‌خوانند که انترچارنامه نوشته و آزاد شوند ولی آنها از این کار خوداری می‌ورزند. دوباره به آنها ۹ ماه بازداشت موقت می‌دهند و بعد از ۹ ماه باز این داستان تکرار می‌شود."

"... در بند زنان رفتار مسئولین بند با ما دست کمی از سخت‌ترین شکنجه‌ها نداشت. آنها بی‌شرمی را به حدی می‌رساندند که من اکنون برای شما نیز راحت نمی‌توانم وضعیت آنجا را توصیف کنم. همواره با می‌بایست نگاههای هرزه "برادران" را تحمل کنیم یا سرکوفت و مشت و لگد "خواهران" را. هر روز ما را سر کلاس می‌بردند. تم اصلی موعظه‌های میلفین زندان در میان زنان این بود: اگر می‌خواهید آزاد شوید بپایید صیغه برادران پاسدار شوید!"

حتی وقتی که ملاقاتی هم داشتیم دچار عذاب می‌شدیم. یکبار یکی از "خواهران" سیلی محکمی به من زد و گفت: "از آن خواهرت معلوم بود که شما خانوادگی کافر هستید. چرا حجاب درست حسابی نداشت؟ دفعه دیگر که آمد او را هم می‌گیریم"

بقیه در صفحه ۸

رساتر باد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!



(۲) ژانویه، شصت و یکمین سالگرد درگذشت لنین

”دیروز ساعت شش و پنجاه دقیقه رفیق لنین درگذشت“

بخش هایی از منظومه بلند ”لنین“ اثر مایا کوفسکی

هیات رئیس کجاست ؟
چه ؟
چرا چشمها سرخ شده اند ،
همچون کاغذ دیوار لژ ؟
کالینین را چه می شود ؟
انگار مردد است .
بدبختی ؟
کدام بدبختی ؟
آیا او ... ؟
نه این ممکن نیست
نه ! نه !
این فکر را از خاطر مکن دران !
سقف همچون پرده ای پایین آمد
سرها خم شد
صورتت را بیاور پایین تر !
...

زنگ دردست کالینین ، بی استفاده مانده است
به سختی از جابری می خیزد
بر روی سبیل و گونه هایش
اشک نشسته است
قطره قطره سرازیر می شوند
و بر نوک ریش او ، می درخشند .
...

”دیروز
ساعت شش و پنجاه دقیقه
رفیق لنین درگذشت .“
...

ریش سفیدان می گریستند همچون کودکان
و کودکان ساکت بودند همچون پیران .
پدر و فرزند انقلاب کبیر
در تابوت بود .
...

آه ، اگر معجزه گری می توانست کاری کند
تا ما بمیریم و او زنده شود
خلق به خیابانها ریخته و همچون توفان
آواز خوان و خندان
به کام مرگ فرو می رفت .
...

اروپا مشت خود را بلند می کند ،
امایی فایده است .
صدای ما بلندتر است از آنچه که ما را با آن
می ترسانند .
حتی مرگ لنین هم حزب را
به مثابه مبلغم سازمانگر قوی تر کرد .

خود را سرنگون کننده قدرت کهنه و تیره اربابها
می نامد .
شکم صندوقها باد کرده است .
و در کنار میزهای کلر
جسد های نحیف و خمیده کارگران انباشته می شود .
طبقه کارگر ، با دود کثیفی پرافرشته
تهدید می کرد و فریاد بر می داشت :
”به خود غره مشوید
ای کسانی که از مادیوارهای طلایی می سازید
منجی مادر راه است
رهبر ما ، انتقام گیرنده ما
پیشاهنگ نبرد ما !“
...

حزب -
ستون فقرات طبقه کارگر است -
حزب -
جاود انگی رسالت ماست
حزب -

یکانه ضامن حرکت پیشرونده ماست
مغز طبقه ،
روح طبقه ،
نیروی طبقه ،
شکوه طبقه ،
حزب است .

حزب و لنین
همزادند
- فرزند آن توأمان مادر تاریخ
می گوییم لنین
و منظورمان حزب است
می گوییم حزب
و منظورمان لنین است
...

ردیفهای صندوقها ، تک تک بر می شدند
از انسانهایی که چون فولاد ، محکم بودند .
دربست و دوم ژانویه
همگی به ساختمان پنج طبقه کنگره شوراها
رفته بودند .

نشستند ، کپ زدند
و با لبخند بهم تکریم کردند
راه رفتند و از این دروآن در
سخن گفتند .
وقتش است !
کپ زدن کافی است .
جلسه را آغاز کنیم .

مسکومی غرد
نیخ زمین می شکند با هیبت
در کنار آتش
خود را گرم می کنند در سرمای شب .
او کیست ؟
از کجاست ؟
بر چه روال است ؟
چرا او را پاس می دارند این چنین ؟
تک تک واژه ها را
می گذرانم از دروازه ذهنم
و به هیچ یک نمی گویم :
جای تو اینجا است .
آه ، گنجینه واژه ها در جهان
چقدر حقیر است !
از کجا بیابیم واژه ای را
که در خور باشد ؟
...

در کنار تابوت
صدای گامهای محکم دژرژینسکی می آید .
چکیستها دیگر نباید پاس دهند .
در میلیونها چشم و درد و چشم من
تنها می توان اشکهای حلقه زده و منجمد را دید .
...

زندگی اولیاف کوتاه بود
همان بر آن واقفند
تا آخرین لحظه اش .
اما ترسیم زندگی طولانی رفیق لنین
نیاز به نیرویی دوباره دارد
چرا که از مدت ها پیش باید
زد او را بی گرفت ،
دو قرن پیش بود که
نخستین نشانه های او هوید آگشت .

می شنوید آن صدای آهنین را
که می گذرد پرشتاب از دل دورانها ؟
آیا از خلال قرون و سلاخی خاکستری رنگ
صدای اسلاف براملی و گویون ،
رسوخ می کند در کوشتان ؟
آیا نخستین ماشین بخار ،
به راه افتاده است ؟

اعلیحضرت سرمایه ،
پادشاه بی تخت و تاج

گسترش اعتراض علیه رژیم نظامی در پاکستان

بقیه از صفحه اول

ضیاء الحق برای پنج سال دیگر نیز به شمار می‌رفت. ترتیب جریان را ماهرانه داده بودند. در کشوری که ۹۵ درصد مردم مسلمانند شکست رئیس جمهور منتفی بوده همانگونه که انتظار می‌رفت، اکثر آرایه‌سود اسلامی کردن کشور داده شد. بر این مبنا، اسلام آباد "پیروزی بزرگ" فرمانروا را اعلام نمود. اما این "پیروزی" به هیچ وجه مطلق نبود. جنبش احیای ديمقراسی، که هم اکنون یازده حزب در آن متحد شده‌اند، رای گیری را تحریم کرده بود. خاویه خیرالدین، دبیرکل این جنبش، همه پرسی را "بزرگترین فریب به نام اسلام" نامید. همچنین پیروان فرقه اسلامی "قادیانی" نیز به پای صندوقهای رای نرفتند. در میان جوانان و زنان، یعنی آنهایی هم که سیاست "اسلامی کردن" بیش از همه به ضرر آنها تمام می‌شود، میزان شرکت در رای گیری پایین بود.

فرانک دوم نتوانست برای رئیس جمهور حتی پنج روز حکومت آرام را تضمین کند، تا چه رسد به پنج سال. در همان روز پس از همه پرسی، نخستین تظاهرات اعتراضی در لاهور انجام گرفت. سپس کشور را موجی از تظاهرات ضد دولتی فراگرفت که نقطه اوج آن در ۲۵ دسامبر، روز یادبود محمد علی جناح، بنیانگذار دولت پاکستان بود. رهبری جنبش احیای ديمقراسی در اسلام آباد، کراچی، لاهور و مولتان از پرزیدنت ضیاء الحق خواست "به اراده مردم کردن نهاده و کناره گیری از نهادهای نشانه مبنی بر "تقلب" حکومت نظامی ارائه کردند که حاکی است مقامات بیش از پنج میلیون نفر، از جمله زندانیان سیاسی را وادار نموده‌اند به مشی سیاسی ضیاء الحق رای مثبت دهند؛ روستاییان را به بهانه‌های دیر به محل رای گیری برده‌اند و بدین منظور تقریباً همه وسایل نقلیه دولتی را به کار گرفتند، و نتایج رای گیری را به گونه ای بسیار ساده جعل نموده‌اند.

دولت نتوانست همه این اتهامات را تکذیب کند. از این رو، رئیس جمهور ناچار شد به وجود "نواقص"ی در سازماندهی همه پرسی اعتراف کند و قول دهد این نواقص در انتخابات پارلمان، که طبق آخرین گفته‌های ضیاء الحق قرار است در ماه فوریه یا مارس برگزار شود، تکرار نخواهد شد. رسانه‌های گروهی آسیا بر آنند که حکام کنونی می‌خواهند با این انتخابات رژیم فعلی را باپوشش غیرنظامی پابرجا نگه دارند.

اسلام آباد هنوز دست خود را کاملاً روتکرده است، اما از هم اکنون روشن است که انتخابات مجلس ملی و مجمع قانونگذاری ایالات بر مبنای غیر حزبی، "بر زمینه محاسن شخصی نامزدها" انجام خواهد گرفت (اگر اصلاً انجام بگیرد، زیرا تا به حال چند بار به تعویق افتاده است). دولت می‌خواهد از این طریق، احزاب مخالف را کنار بگذارد. انتخابات در شرایط وضع فوق العاده انجام می‌گیرد. ارتش و پلیس کنترل جریان رای گیری را در دست خواهند داشت. روزنامه "تایمز هند" می‌نویسد علاوه بر این، ضیاء الحق از هم اکنون مقرر داشته است دولت آینده باید همه "دستاوردهای" حکومت نظامی را دست نخورده گذاشته و نیز به سیاست اسلامی کردن ادامه دهد.



تظاهرات زنان پاکستانی علیه سیاست "اسلامی کردن" کشور که به معنای نقض خشن حقوق آنهاست.

اپوزیسیون، علیه نتایج رسمی فرمانروا ماه دسامبر، علیه نقشه انجام انتخابات عمومی بر مبنای غیرحزبی و تحت شرایط وضع فوق العاده، معترض است. رژیم نظامی به این اعتراض با اعمال سرکوبگرانه پاسخ می‌دهد. بسیاری از شخصیت‌های نامی جنبش احیای ديمقراسی زندانی شده‌اند. قرار است بیش از ۲۰۰ تن از رهبران احزاب مخالف محاکمه شوند. در عین حال، به گزارش مطبوعات حکومت سرگرم انجام مذاکرات پنهانی با جناح راست جنبش است. اما نیروهای ديمقراطیک، به هیچ سازشی با رژیم تن نمی‌دهند. در نخستین روزهای ژانویه، در کراچی، راولپندی و لاهور، تظاهرات جدید ضد حکومتی انجام گرفت که شرکت کنندگان در آن، خواهان انجام انتخابات ديمقراطیک طبق قانون اساسی ۱۹۷۳ شدند. پلیس به باقوم‌های

لاستیک و گاز اشک آور متوسل شد. یک نفر کشته و ۴۰ تن زخمی شدند.

یکی از شعارهای اپوزیسیون این است "مرکز بر امپریالیسم آمریکا!" شمار فزاینده‌ای از پاکستانی‌ها در می‌یابند که نظامی کردن کشور به کمک آمریکا و پیروی سیاست خارجی آن از الزامات نظامی-استراتژیک، واشنگتن، مغایر منافع اساسی و درازمدت پاکستان و همه مردم آن است. کمک نظامی و اقتصادی ۳/۲ میلیارد دلاری آمریکا به دولت پاکستان و مبالغ اضافی که چندی پیش خبر آن داده شد، نه یک ژست بزرگوارانه، که رشوه‌ای معمولی و مزد برای انجام خدمات مفید است. بی‌تأثیر بوتو، رهبر حزب مردم پاکستان-دختر نخست وزیر پیشین که از سوی نظامیان اعدام گردید-اخیراً گفت: "غرب در ازای موضع ضدافغانی رژیم نظامی پاکستان، از آن پشتیبانی می‌نماید."

برای واشنگتن، پاکستان از مدت‌ها پیش مهمترین پایتختی است که از آن، جنگ اعلان نشده امپریالیسم و ارتجاع علیه جمهوری ديمقراطیک افغانستان انجام می‌گیرد. در پاکستان، حدود ۵۰ سازمان ضد انقلابی افغانی لانه کرده‌اند. در ماههای اخیر که توافقی نظامی و اقتصادی آمریکا و پاکستان وارد مرحله تعیین کننده خود گردیده و تعویل مدرنترین سلاحهای آمریکایی به پاکستان افزایش یافته است، اسلام آباد دخالت خود را در امور داخلی افغانستان هر چه فاعلتر و آشکارتر کرده است.

اعضای جنبش احیای ديمقراسی از دولت می‌خواهند به عملیات خصمانه خود علیه جمهوری ديمقراطیک افغانستان پایان دهد. مثلاً چندی پیش قوس بخش بیزنجو، رهبر حزب ملی پاکستان، بیانیهای با همین مضمون انتشار داد. اصغر خان، مارشال هوایی پیشین و رهبر حزب "حرکت استقلال"، خواهان مذاکرات مستقیم با افغانستان گردید.

اما اسلام آباد فعالیت ضد افغانی و هم زمان با آن، فعالیت ضد هندی خود را افزایش می‌دهد. (در دهلی نشانه این امر را این واقعیت می‌دانند که پاکستان برای تجزیه طلبان هندی پایگاه و امکانات فعالیت تامین می‌کند). هر دو کارزار، با هیاهوی تبلیغاتی پیرامون "تهدید از غرب" و "تهدید از شرق" همراه است. به نظر می‌رسد حکومت ضیاء الحق به دامن زدن به تشنجات برای به کرسی نشاندن برنامه سیاست داخلی خود مبنی بر تحکیم عملی رژیم نیاز دارد.

انکاس برگزاری

قطعه‌نامه پلنوم درباره اوضاع جهانی و "برنامه ما برای جبهه متحد خلق" در پایان می‌نویسد: "در پلنوم چند تن از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی سازمان حضورند اشتند. آنها در اسارتگاههای رژیم زیر فشار شکنجه هستند. پلنوم سپس به بحث درباره پذیرش اعضا و مشاورین تازه و ترمیم کمیته مرکزی پرداخت و در این باره تصمیمات لازم را اتخاذ کرد.

پلنوم همچنین هیئت سیاسی و هیئت دبیران کمیته مرکزی را برگزید و رفیق فرخ نگهدار را مجدداً به سمت دبیر اول کمیته مرکزی سازمان انتخاب کرد.

زندانیانی که تازه از بازجویی و شکنجه نیاز کشته‌اند، پتو را بر سر می‌کشند و دندانها را بهم فشار می‌دهند ولی ناگهان از میان آنها نیز صدای جیغ و فریادهای عصبی برمی‌خیزد. تکان دهنده‌ترین صفحه آن است که مادری که موفق نمی‌شود بچه اش را ساکت کند گاه همانند کودک کش گریه می‌کند و همچون او جیغ می‌کشد. هر شب این قضیه تکرار می‌شود.

"... وقتی مرا به داخل سلول انفرادی انداختند، بعد از چند دقیقه چشم به این عبارت خورد که روی دیوار حک شده بود: "ما رفتیم!" بر نفرتم از دژخیمان صد چندان افزوده شد. نیروی تازه‌ای را در خودم احساس کردم." (ادامه دارد)

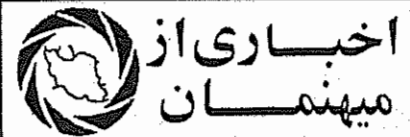
بقیه از صفحه ۶

مجموعه گزارشهایی از

می‌آوریم پهلوی تو "بعد از این جریان ناچار شدم به مادرم بگویم که خواهرم به ملاقاتم نیاید."

"... وضعیت زنان زندانی بسیار وحشتناک است. برای خصوصی‌ترین مسائل نیز آنها را شکنجه می‌کنند...

از بچه‌ها نیز در بند زندان نگهداری می‌شود. در یک اتاق ۴۰ - ۳۰ نفره گاه ۱۵ الی ۲۰ بچه نیز زندانی هستند. گریه یک بچه در شب بقیه را بیدار می‌کند. بچه‌ها همه با هم جیغ می‌زنند و گریه می‌کنند.



اعتصاب در کارخانه
لاستیک و کفش سازی جم

در کارخانه لاستیک و نقش سازی چم مدیریت
عده ای از کارگران را اخراج نمود. این تصمیم
اعتراض فزاینده را در میان دیگر کارگران برانگیخت.
اما مدیریت کارخانه علیرغم اعتراض کارگران در
اجرای این تصمیم پافشاری می کرد. در برابر
بی توجهی مسئولین، کارگران به طور دسته جمعی دست
از کار کشیده و آغاز دوباره کار را مشروط به بازگشت
کارگران اخراجی نمودند. کارگران اعتصابی
خشمگین علاوه بر این در محوطه کارخانه به تظاهرات
پرداختند تا بالاخره موفق شدند، مسئولین را به
عقب نشاندن و رفقای کارگر خویش را به کار
بازگردانند.

در همین رابطه بلافاصله از سوی فعالین فدائی
خلق اعلامیه ای منتشر شد که کوتاه شده آنرا درج
می‌کنیم:

پیروزی اعتصاب

کارگران کارخانه لاستیک سازی اوکفش سازی جم

کارگران مبارزا

در تاریخ ۶۳/۹/۲۷ کارگران کارخانه لاستیک و کفش سازی جم به عنوان اعتراض به اخراج ۳ تن از همکارانشان، به طور متحد دست به اعتصاب و تظاهرات در محوطه کارخانه زدند. که در نتیجه آن کارگران اخراجی به سرکار بازگردانده شدند و اعتصاب با موفقیت خاتمه یافت. چنین است پاسخ کوبنده کارگران به اعمال ضد انسانی سرمایه داران و ارتجاع حاکم پشتیبان آنها.

کارگران و زحمتکشان!

دیتر روزی نیست که اینچوا آنجا، در مناطق مختلف کشور، در کارخانه‌ها و روستاها، مردم زحمتکش کشور ما به خاطر حقوق حقه خود و علیه ظلم و جور رژیم ارتجاعی حاکم اعتراض نکنند. شما کارگران فه‌رمان در پیشاپیش دیتران، هر چه نبرد اعتصابی خود را برافراشته اید، دیروز در دخیانیات و ساسان و امروز در مجتمع ذوب آهن و ایران ابزار و

بخطر دستمزد بیشتر، علیه اخراج، بی‌کاری،
گرائی، بی‌سکنتی، به خاطر حقوق خود و علیه هر
گونه اجحاف و ظلم و ستم که بر شما اعمال می‌شود، به
طور یکپارچه، متحد و متشکل مبارزه کنید.

دی ماه ۶۲

اعتراض کارکنان انتشارات
دانشگاه تهران نسبت به کاهش حقوق

در انتشارات دانشگاه تهران، از اوایل سال جاری مبلغی از حقوق کارگران را که تحت عنوان اضافه کاری پرداخت می‌شد، قطع کردند. کارکنان انتشارات به این اقدام شدیداً اعتراض نمودند. در برابر بی‌توجهی مسئولین به این اعتراضات کارگران

حروفچین دست به کم کاری زدند به طوری که حاصل انتشارات دانشگاه که قبلاً به طور متوسط هفت کتاب در ماه بود به کمتر از دو کتاب در ماه کاهش یافت و انتشار "اخبار دانشگاه" که هفتگی است به کلی متوقف گردید. مسئولین ناگزیر انتشار "اخبار دانشگاه" را به کتابخانه مرکزی محول کردند.

یکی از مسئولین انتشارات دانشگاه برای وادار ساختن کارگران حروفچین به از سرگیری کار، به سخنرانی در میان آنان پرداخت و مطابق معمول مسئله جنگ را پیش کشید. اما کارگران به شدت به این اراجیف اعتراض کرده و او را با خشونت از محل سخنرانی بیرون راندند.

قطع حق اضافه کاری در برخی دیگر از موسسات وابسته به دانشگاه تهران نیز اعمال شده است از جمله در بیمارستان شریعتی، دانشکده دندانپزشکی، خاک شناسی، بیمارستان "امام خمینی" و... در بسیاری از این موسسات و واحدها کارکنان اقدام به کم کاری نمودند. در خاک شناسی بیشتر تر اکتورها بهمین علت از کار بازمانده است.

در انتشارات دانشگاه، هر دو ماه یکبار دستمزد سه روز کارکنان بابت "کمک به جبهه" کسر می شود و با اینکه تا کنون آنرا مکرراً به این اقدام اعتراض نموده اند ولی کاهش از دستمزدها به این بهانه، کاملاً ادامه دارد.

جلادان رژیمن و گور شهیدان

شهر قروه در ۷۵ کیلومتری سنندج قرار دارد. گورستان این شهر کوچک از جاذبه‌های شهیدانی که به دست جلادان جمهوری اسلامی تیرباران شدند برشته است. با این وجود هنوز هم هر بار گوشای از آن را می‌کنند و اجساد شهیدان تازه را در آن جای می‌دهند. گفته می‌شود به خاطر کمبود جا برخی از تیرباران‌شدگان را در چاه آب این محل دفن کرده و روی آنها را خاک ریخته‌اند بگونه‌ای که عبق این چاه چهارده متری اینک فقط به سه متر رسیده است. از سوی جلادان، نهادن سنگ قبر بر روی گورها ممنوع شده است و دستجات اوباش رژیم هراژ چندگاه به این قبرستان یورش آورده و سنگهایی را که خانواده‌ها مخفیانه بر روی قبرها نصب کرده‌اند می‌شکنند. ولی هر بار پس از بازگشت این دستجات خانواده‌ها، تکه‌پاره‌های سنگ‌های قبر را جمع‌آوری کرده و بر جای خود قرار می‌دهند. روی یکی از این سنگ قبرهای شکسته شده چنین خوانده می‌شود: شهید وحیده وحیدی تاریخ تولد ۱۳۴۶

علیرغم همه آزارهای رژیم هیچگاه نمی‌شود که
روزی گور شهیدان از شاخه‌های گل خالی شود. مردم
به‌دینگونه یاد شهیدان خود را گرامی می‌دارند.

بازگشت با حکم شرعی

منطقه رودان در استان هرمزگان واقع است. پیش از انقلاب بهترین اراضی این منطقه در اختیار افراد خاندان منفور پهلوی و بزرگ مالکان قرار داشت. با انقلاب زمین های این منطقه نیز توسط دهقانان مصادره شد. اینک درودان نیز مانند دیگر نقاط در پی خیانت رژیم جمهوری اسلامی، بزرگ مالکان به روستا بازمی گردند تا بساط پیشین را احیا کنند. از جمله در دوم آذرماه "صمدخان"، خان منطقه

تخریب خانه های کارکنان مخابرات بابلدور

ما پیش از این نیز در همین صفحه از مبارزات
تعاونی های مسکن کارگران و کارمندان در جهت
کسب زمین اخباری را منتشر کرده بودیم و نوشتیم که
چگونه آنها ناگزیرند برای تامین سرپناه ، مبارزه
سرسختانه و پیگیرانه ای را با مسئولین و ارگانهای
مختلف دولتی پیش ببرند. آن تعاونی‌هایی که با
هزار زحمت بالاخره موفق به دریافت زمین می‌شوند
تازه باسنگ اندازیهای شهرداری روبرو می‌شوند.

تعاونی مسکن کارکنان مخابرات که روی زمین‌های دریافتی اقدام به ساختمان کرده بود، با منع شهرداری مواجه گردید. در برابر استقامت و پایداری کارکنان مخابرات مامورین شهرداری با بولدوز اقدام به ویرانی ساختمانهای نیمه تمام نمودند. این اقدام خشم و انزجار عمیقی میان آنان برانگیخت. آنها تصمیم گرفتند بهر قیمتی که شده روی همین زمینها خانه‌های خود را بنا کنند تا از خانه‌بدوشی درآیند. کارکنان مخابرات شاغل در اداره مخابرات واقع در خیابان دکتر شریعتی در اعتراض به این عمل شهرداری تهران، دست از کار کشیده و در روز متوالی در محل اداره تجمع کردند.

از کانا لهای مختلف

برای تحکیم و استتگی می کوشند

وزارتخانه‌ها و نهادهای رتکارنگ جمهوری اسلامی برای عقد قرارداد با شرکت‌های امپریالیستی پیام مسابقه گذاشته‌اند. حتی بنیاد امور مهاجرین جنگی نیز برای این که از این قافله عقب نماند، راسا نمایندگان به کشورهای امپریالیستی می‌فرستد تا به حساب ملت خریدهای کلانی از این کشورها انجام دهند و در ضمن مسئولین مربوطه از این مسافرتها و خریده‌ها از جنبه‌های گوناگون "بهره‌مند" گردند. سند زیر گویای این مساله است:




جمهوری اسلامی ایران
 جمهوری اسلامی ایران
 جمهوری اسلامی ایران

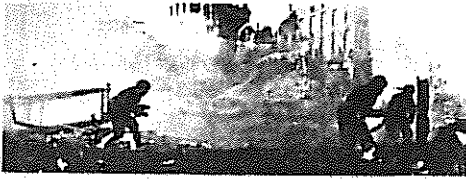
شماره: ۱۰۷۸/۸۸۴۳
 تاریخ: ۱۳۷۱/۱/۹

به رسمه تامانی
 حکم مأموریت

برادر زهدایت آ... زاده، مرتضی بیگ
 به موجب این حکم به شغل مأموریت داده میشود که به
 همراه برادر، سر محمد سیف افغانی از تاریخ ۱۳/۲/۶۳
 به مدت چهل و پنج روز جهت بازدید و عقد قرارداد و
 رابطه با نیازهای بنیاد از قبیل قطعات بیل مکانیکی،
 ژنراتور، ماشین آلات سنگین و غیره... به کشورهای افغانستان
 آلمان غربی و انگلستان، ایتالیا، امارات متحده عربی و
 مناطق مذکور مزین نمایند.
 امید است به لطف خداوند متعال در انجام مأموریت فوق موفق
 باشید. ج/۰

امیرالعلم و دانشان
 سرور...

تهران - ستاد رهبری ۸۲



۴۲ سال از پیروزی تاریخی آتش سرخ در استالینگراد: گذشت "مامرگ را شکست می‌دهیم!"

بقیه از صفحه اول

شمار مجموع آنها به ۲۰ میلیون رسید. از هر پنج قربانی جنگ دوم، دو نفر شهروند شوروی بودند. اتحاد شوروی متحمل خسارات مادی سنگینی گردید. معادل ۴۸۵ میلیارد دلار (به نرخ ۱۹۴۱) ضرر به ثروت ملی این کشور وارد شد. بدینگونه، اتحاد شوروی ۱۱۲ میلیون نفر از مردم اروپا را از یوغ فاشیسم آزاد کرد.

در این میان، نبرد استالینگراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیروزی ارتش شوروی در استالینگراد، در کنار رود ولگا، نه تنها نقطه عطف جنگ کبیر میهنی، که نقطه عطف کل جنگ دوم جهانی بود.

نبرد استالینگراد در ژوئیه ۱۹۴۲ آغاز شد و در فوریه ۱۹۴۳، پس از ۲۰۰ روز درگیری سخت و خونین پایان یافت. دشمن در آوردگاه استالینگراد ۵۰ لشکر، یعنی یک چهارم کل نیروهای را که در جبهه شرق در اختیار داشت، از دست داد.

استالینگراد

کلید قفقاز، کلید خاور، کلید ایران...

نبرد استالینگراد شامل دو مرحله بود:

۱- نبرد دفاعی ارتش سرخ از ۱۷ ژوئیه تا ۱۸ نوامبر ۱۹۴۲

۲- یورش متقابل نیروهای شوروی و ناپودی نیروهای محاصره شده دشمن از ۱۹ نوامبر ۱۹۴۲ تا دوم فوریه ۱۹۴۳.

چرا دو طرف به استالینگراد تا آن حد اهمیت می‌دادند؟ این شهر قدیمی روسیه در کنار رود ولگا با ۶۰۰ هزار نفر جمعیت، یک مرکز مهم صنعتی بود. شهر مزبور، نقطه تقاطع راهمایی بود که مناطق مرکزی بخش اروپایی اتحاد شوروی را با قفقاز متصل می‌ساخت. از این مسیر، نفت باکو به سوی صنایع دفاعی اورال در جریان بود.

اگر نیروهای شوروی می‌توانستند مواضع خود را در منطقه استالینگراد حفظ کنند، فرصت می‌یافتند تا هر زمان گروه واحدهای قفقاز دشمن را از پشت مورد حمله قرار دهند. فرماندهی کل و رماخت کاملاً آگاه بود که تسخیر قفقاز بدون فتح استالینگراد امکان نداشت. قفقاز، برای صنایع آلمان به معنای نفت بود، برای ارتش آلمان به معنای امکان پیوستن به نیروهای ترکیه و قطع راه آهن ایران بود که از طریق آن، اتحاد شوروی و متفقین آن باهم ارتباط داشتند. به عبارت دیگر، استالینگراد، کلید قفقاز، کلید ایران و کلید کل خاور بود. فتح قفقاز برای هیتلر راه هند، ایران و عراق را باز می‌کرد.

روز هفدهم ژوئیه ۱۹۴۲، نیروهای آلمان یورش بزرگ خود را آغاز کردند. نیروهای فاشیست، از حیث ثغرات ۱/۷ برابر، از لحاظ توپخانه و تانک ۱/۲ برابر و در عرصه هواپیماها ۲ برابر نیروهای مدافع بود. قرار بود تا ۲۵ ژوئیه استالینگراد تسخیر شده و نیروهای شوروی در جنوب به دو بخش تقسیم

گردد. در عرض یک ماه، نیروهای هیتلر با تلاش زیاد موفق شدند به حاشیه شهر برسند، اما در ۱۷ اوت پیشروی آنها متوقف شد. در ۲۳ اوت، فاشیست‌ها یک حمله هوایی گسترده علیه استالینگراد انجام دادند. خانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، موزه‌ها و تئاترها با خاک یکسان گردید. هزاران انسان بی‌گناه به قتل رسیدند.

نبردهای خیابانی

در پاییز ۱۹۴۲، اخبار جبهه استالینگراد کوتاه از همیشه بود. نام شهرها و آبادیهای خود را به نام خیابانها و حتی خانه‌ها می‌داد. نبرد بر سر هر خانه، هر طبقه و هر پارتیله جریان داشت. هنگامی که دشمن به ۸۰۰ متری قرارگاه ارتش ۶۲ شوروی رسیده بود، به دستور ژنرال چویکوف فرمانده این ارتش، آخرین ذخیره‌ها در نبرد به کار گرفته شد. مدافعين توانستند در یک نبرد سخت، دشمن را به عقب برانند. امروزه، بر سنگ نبشته‌ای در کنار رود ولگا چنین حک شده است: "در این‌جا سربازان رودیتمتर्फ تا آخرین قطره خون پایداری کردند." لشکر سیزدهم به فرماندهی ژنرال رودیتمتर्फ، در پانزدهم سپتامبر ۱۹۴۲، یعنی سخت‌ترین روزها، به استالینگراد منتقل شده بود. سربازان محل عبور دشمن از ولگا را مورد حمله قرار دادند، آنها را متوقف ساختند و تپه "مامای" را فتح کردند.

در خاطرات ژنرال رودیتمتर्फ آمده است: "در آن روز بیادماندنی که به کرانه ولگا رسیدیم، روزنامه ارتش نوشت: "برای ما دیگر راه بازگشت وجود ندارد. این، دستور میهن و دستور خلق است. میهن از همه مدافعين شهر می‌خواهد تا آخرین قطره خون بجنگند و شهر را نجات دهند." این جملات، دقیقاً و لایق افکار تک تک ما، از سرباز ساده گرفته تا عالی‌ترین فرمانده را منعکس می‌ساخت."

در نبرد استالینگراد وقفه‌ای نبود. در طی ۶۸ روز دفاع، دشمن ۹۰۰ هزار گلوله توپ و خمپاره بر این شهر فرو ریخت. اواسط نوامبر ۱۹۴۲، پیشروی نیروهای هیتلری در کلیه نقاط شهر متوقف شد.

کارزار نهایی

در نوامبر ۱۹۴۲، جریان نبرد استالینگراد به سود ارتش سرخ چرخش یافت. ۲۳ نوامبر ۱۹۴۲، پنجمین روز یورش متقابل نیروهای شوروی، دو گروه واحدهای ارتش سرخ به هم پیوستند و ۲۳ هزار نفر از نیروهای دشمن، متشکل در ۲۲ لشکر و ۱۶۰ واحد ارتش ششم و چهارم زرهی را محاصره کردند.

پاولوس فرمانده نیروهای محاصره شده، اصرار می‌ورزید که ارتش ششم فاشیست‌ها از استالینگراد عقب نشسته و در غرب رود دن، جبهه مستحکمی ایجاد کند. اما هیتلر و اطرافیان‌ش به دلایل سیاسی بر این امر پافشاری می‌کردند که حتی یک قدم عقب نشینی انجام نگیرد و استالینگراد به هر قیمت حفظ گردد.

هیتلر می‌گفت: "اگر استالینگراد را از دست دهیم، مرکز دوباره به آن دست نخواهیم یافت." فاشیست‌ها از جبهه فرانسه یک لشکر تانک را به جبهه دن به فرماندهی مانشتاین منتقل کردند تا با یک یورش، نیروهای پاولوس را از محاصره بیرون بکشند. اما این کوشش نیز با شکست مواجه شد. سرنشت نیروهای محاصره شده فاشیست، رقم زده شده بود.

در هشتم ژانویه ۱۹۴۳، فرماندهی نیروهای شوروی برای جلوگیری از خونریزی بی‌مورد، خطاب به نیروهای محاصره شده اولتیماتومی منتشر ساخت که در آن، شرایط تسلیم منطبق با مقررات کنوانسیونهای بین‌المللی تعیین گردیده بود، از جمله امنیت شخصی اسرا، غذا و محل استراحت و کمک پزشکی فوری. اما این اتمام حجت، مورد قبول افسران ستاد پاولوس قرار نگرفت. سحرگاه دهم ژانویه، نیروهای شوروی ناپودی نیروهای محاصره شده دشمن را آغاز کردند. حلقه محاصره، روز به روز تنگ‌تر می‌شد. هیتلر برای تقویت روحیه نیروهایش، کیسه‌هایی پر از مدال به استالینگراد فرستاد. ژنرال پاولوس به ست مارشال ارتقا یافت. بیستم ژانویه، پاولوس باردیگر از هیتلر پرسید اجازه تسلیم شدن دارد یا نه. هیتلر جواب منفی داد. بیست و ششم ژانویه، نیروهای دشمن به دو قسمت - مرکز شهر و شمال - تقسیم شد. قسمت اول در ۲۱ ژانویه و بخش دوم در دوم فوریه خود را تسلیم کردند. از دهم ژانویه تا دوم فوریه ۱۹۴۳، ۲۲۰۰۰ لشکر آلمانی نابود گردیدند.

ژنرال رودیتمتर्फ می‌نویسد: "بر فراز ولگا، سکوت پس از پیروزی حاکم بود. انبوه انسانها، خیابانها و میدانها و میادین استالینگراد را پر کرده بود، انبوهی با پالتوها و نیمتنه‌های سربازی و یالباس غیر نظامی. عده‌ای با علاقه به تماشای بمب افکن سرنگون شده دشمن در وسط یک میدان مشغول بودند. جمعی دیگر، در صحبت باهم ساختمان نیمه مخروبه فروشتمای را نشان می‌دادند که چند روز پیش، سربازان شوروی پاولوس را که اسیر شده بود، از آن بیرون آورده بودند.

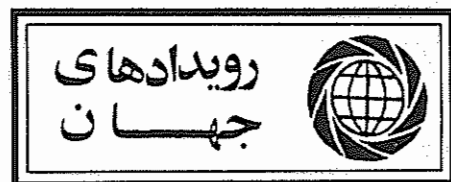
سربازان ما در صف منظم راه می‌رفتند. چنین صف منظمی در جبهه، یک منظره غیرعادی بود. همگی خوشحال بودند. چون ارکستری وجود نداشت، گروه با آوای یک آکاردئون به غنیمت گرفته شده به حرکت ادامه می‌داد. یکی از افراد از یک راهنما پرسید:

"هی، رفیق! راه برلن از کدام طرف است؟"

راهنما جواب داد: "استقیم!"

بدینگونه، یکی از بزرگترین حماسه‌های جنگ کبیر میهنی رقم زده شد. حماسه‌ای که در نامه یک سرباز جبهه استالینگراد چنین بازتاب یافته است:

"ما مرگ را شکست می‌دهیم. نه از آن رو که رویین تنیم، که از آن جهت که تنها از زندگی خود دفاع نمی‌کنیم. ما در حین نبرد به زندگی آن پسرک ازبک، آن زن گرجی و آن پیر مرد روس می‌اندیشیم. ما می‌جنگیم تا از مقدس‌ترین چیزها، از میهنمان، دفاع کنیم..."



کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری خاورمیترانه، خاور نزدیک و میانه و منطقه دریای سرخ

کنفرانس نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری منطقه خاورمیترانه، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ در قهرس پایان یافت. این کنفرانس اعلامیه ای زیر عنوان "ضرورت تحکیم اعمال مشترک" را مورد تصویب قرار داد. نمایندگان حزب توده ایران نیز در این کنفرانس شرکت کردند.

در اعلامیه کنفرانس، تاکید گردیده است همه مسئولیت چرخش به سوی جنگ سرد در مناسبات بین المللی، به گردن امپریالیسم و در وهله اول، امپریالیسم آمریکاست که در راه دستیابی به سلطه جهانی کوشش می کند و تلاش می ورزد به هر وسیله ممکن، پایه جنبش های آزادیبخش ملی و جنبش های ترقیخواهانه را متزلزل سازد، مانع پیشرفت کشورهای مرفقی شود و آنها را از متحدین طبیعی شان، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، منزوی کند. شرکت کنندگان در کنفرانس، تأمین خلع سلاح را مسئله عمده عصر حاضر خواندند و اعلام داشتند که عزم راخ دارند بر شدت مبارزه علیه نظامی کردن فضاء خطر بروز فاجعه هسته ای و استقرار موشک های هسته ای آمریکا در اروپا بیفزایند. کنفرانس همچنین از ایجاد مناطق غیرهسته ای در شبه جزیره بالکان، منطقه دریای مدیترانه و خاور نزدیک و سایر مناطق، پشتیبانی نمود. نمایندگان احزاب برادر منطقه خواهان خروج کامل نیروهای اسرائیلی از سرزمین های اشغال شده اعراب و شناسایی حقوق ملی فلسطینی ها شده و از پیشنهاد شوروی درباره برپایی کنفرانس بین المللی ویژه حل مسائل منطقه اعلام حمایت نمودند. شرکت کنندگان در کنفرانس، از ملل جهان دعوت کردند برگزار چهلمین سال پیروزی بر فاشیسم هیتلری را به نمایشی از عزم راخ ملت ها برای جلوگیری از وقوع جنگ جدید، تبدیل سازند.

کنفرانس، خواهان خروج همه ناوگانها و نیروهای خارجی از منطقه خلیج فارس، دریای سرخ و شبه جزیره عربستان و برچیدن پایگاه های نظامی امپریالیستها در این مناطق گردیده و لزوم تبدیل خلیج فارس به منطقه صلح و امنیت را مورد تاکید قرار داد.

در اعلامیه کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری خاورمیترانه، خاور نزدیک و میانه و منطقه دریای سرخ، نسبت به جنایات و شکنجه هایی که رژیم ایران در مورد اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای ترقیخواه و دمکرات این کشور اعمال می دارد، اعتراض شده و تاکید گردیده که هدف شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی در ایران، قبل از هر چیز تضعیف نیروهای میهن پرست، دمکرات و ترقیخواه کشور و اخلاکگری در همبستگی انترناسیونالیستی و مبارزه آنها علیه امپریالیسم ارتجاع است.

پراودا: توافق بر سر خلع سلاح تنها با امنیت یکسان طرفین ممکن است

روزنامه شوروی پراودا می نویسد: "توافق اخیر اتحاد شوروی و آمریکا برای انجام مذاکرات پیرامون مجموع مسائل مربوط به تسلیحات کیهانی و هسته ای، همه را امیدوار می کند." پراودا می افزاید، سخن از یک مسئله بنیادی یعنی محور خطر هسته ای است که بر بشریت سایه افکنده است، و خاطر نشان می سازد: "امروز هنوز می توان درباره نظامی نکردن فضای کیهان و قطع مسابقه تسلیحاتی بر روی زمین به توافق رسید. ولی آنهایی که خیال خام دستیابی به برتری نظامی را در سر دارند، با این فکر موافق نیستند." پراودا به تلاش های برخی رجال عالیرتبه آمریکا اشاره می کند که در صددند کارهای ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی فضایی و نیز تولید و استقرار موشک های جدید هسته ای را ادامه دهند. در مقاله پراودا آمده است تنها با رعایت اصل برابری و امنیت یکسان طرفین می توان به جستجوی راه حل و توافقی قابل قبول پرداخت.

هفته اول ماه مارس هفته جنبش عدم تعهد

شورای جهانی صلح خواهان آن گردیده که اولین هفته ماه مارس سال جاری به عنوان هفته جنبش عدم تعهد برگزار شود. در اعلامیه راخ جاندر رئیس شورای جهانی صلح خاطر نشان گردیده است که برنامه های در نظر گرفته شده برای این هفته، مصادف با دومین سالگرد هفتمین کنفرانس روسای کشورها و دولتهای غیر متعهد در سطح عالی خواهد بود. این کنفرانس در دهلی برپا شده بود. شورای جهانی صلح از عموم جهانیان دعوت کرد که از خواستهای کنفرانس دهلی مبنی بر حفظ و تحکیم صلح و برقراری نظام و مقررات نوین اقتصادی بین المللی عادلانه، پشتیبانی نمایند.

توطئه بزرگ جاسوسی امپریالیستها علیه هند کشف شد

هفته گذشته کشف یک شبکه گسترده جاسوسی به سود کشورهای امپریالیستی در هند توجه محافل سیاسی جهان را به خود جلب کرد. رسانه های گروهی هند و جهان از بزرگترین ماجرای جاسوسی تاریخ هند سخن می گویند. ارگانهای امنیتی هند، ۲۰ نفر، از جمله چند کارمند عالیرتبه دولتی و کارمندان شرکتهای چند ملیتی را بازداشت کردند. خبرگزاری رسمی هند اطلاع داد که اطلاعات مربوط به امنیت ملی هند توسط این عده به دولتهای خارجی گزارش می شد. در اطلاعاتی، گفته شد که در میان مدارکی که از این افراد گرفته شده، نسخه اسناد مهمی از مقر نخست وزیری بوده است.

بدنبال کشف این شبکه جاسوسی، مقامات رسمی هندوستان خواستار آن شدند که ۶ دیپلمات آمریکا، فرانسه و جمهوری فدرال آلمان به علت همبستگی با این شبکه از کشور خارج شوند. به گزارش مطبوعات هند، جاسوسانی که در هندوستان مشغول فعالیت بودند، اطلاعات مهمی درباره مسائل دفاعی در

اختیار سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا، سیامی گذاشتند.

در میان جاسوس ها، پنج تن از مقامات مسئول وزارت دفاع و صنایع دفاعی دیده می شوند. آنها رونوشت اسناد سری مربوط به مسائل دفاعی را مرتباً در اختیار دیپلماتهای خارجی قرار می دادند. ۴ نفر از بازداشت شدگان در دفتر منشی نخست وزیر کار می کردند.

مطبوعات هندوستان، در رابطه با کشف این توطئه بزرگ امپریالیستی علیه هند، موارد قبلی نفوذ عوامل سیای آمریکا در عالی ترین ارگانهای حکومتی هند را یادآوری می کنند. دبیر کل حزب کمونیست (مارکسیست) هند پس از دیداری با راجیو گاندی نخست وزیر که طی آن، گاندی وی را در جریان کشف توطئه گذاشت، در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و اظهار داشت، هند بار دیگر هدف یک توطئه امپریالیستی شده است.

کشف این شبکه جاسوسی، که پرده از فعالیت گسترده عوامل امپریالیسم در دستگاه دولتی هند برداشت، تکرانی عمیق محافل اجتماعی و افکار عمومی این کشور را برانگیخت. مردم هند و نیروهای مرفقی خواستار برخورد قاطع با این توطئه و توطئه های نظیر آن شدند.

رژیم ضیاء الحق در مصاف با موج جدیدی از اعتراض

به گزارش رویتر، در شهر لاهور نمایندگان احزاب و سازمانهای عضو "جنبش احیای دمکراسی" برای شرکت در یک نشست به منظور بررسی اوضاع کشور گردم آمدند. این احزاب چندی قبل از مردم دعوت کردند تا انتخاباتی را که از سوی رژیم ضیاء الحق پیش بینی شده و هدف آن، ابدی نمودن حکومت نظامی است، تحریم نمایند. مقامات حکومتی در تلاش جهت برهم زدن این گردهمایی، سه نفر از رهبران اپوزیسیون را در لاهور بازداشت کردند. از جمله اهداف "جنبش برای احیای دمکراسی"، لغو حکومت نظامی، آزادی زندانیان سیاسی و انجام انتخابات واقعا دمکراتیک در پاکستان است.

از سوی دیگر ژنرال ضیاء الحق رئیس رژیم نظامی پاکستان برای بررسی اوضاع بحرانی این کشور، جلسه فوق العاده هیات دولت را در لاهور و لاهندی تشکیل داد.

افشاگری علیه شکنجه در زندانهای اسرائیل

در عمان، مصاحبه مطبوعاتی دو فلسطینی که ۱۵ سال در زندانهای اسرائیل محبوس بودند، برپا شد. این دونفر، چندی پیش به اردن انتقال یافتند. آنها اظهار داشتند که در زندانها، مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته و در نتیجه، به بیماری قلب و کلیه مبتلا شدند. یکی از این دونفر گفت یک زندانی بر اثر تحمل شکنجه های صهیونیست ها نابینا شد. وی افزود هزاران زندانی فلسطینی در زندانهای اسرائیل همچنان در معرض غیر انسانی ترین شکنجه ها قرار دارند.

انعکاس برگزاری پلنوم کمیته مرکزی در نشریات احزاب کمونیست

نشریه "دموکراسی خلق"، ارگان حزب کمونیست هند (مارکسیست) در شماره ۲۰ دسامبر خود طی مقاله‌ای به تفصیل به انعکاس خبر و تشریح و دستاوردهای پلنوم اخیر کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پرداخته است. نشریه "دموکراسی خلق" ابتدا به تشریح وضعیت کنونی ایران پرداخته می‌نویسد:

"پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اخیراً برای تحلیل اوضاع ملی و بین‌المللی حاکم و تعیین سمت اصلی حرکت‌های آینده برقرار گردید. پلنوم در زمانی برگزار گردید که ارتجاع حاکم نیروهای انقلابی کشور را در معرض ترور، اختناق و سرکوب فاشیستی قرار می‌دهد. نشریه در ادامه می‌نویسد:

"جمهوری اسلامی تمام سعی و کوشش خود را برای بردن مقاومت زندانیان سیاسی را بشکند. خشم و نفرت نیروهای مترقی علیه رفتار غیرانسانی جمهوری اسلامی بازندانیان سیاسی و علیه کشتار و سرکوب در ایران گسترش می‌یابد. دبیر کل سازمان ملل متحد قویاً اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی در ایران را محکوم کرده است.

در چنین شرایطی پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای بررسی اوضاع ایران و جهان تشکیل شد."

نشریه "دموکراسی خلق" ارگان حزب کمونیست هند (مارکسیست) آنگاه به تشریح مفاد مصوبات پلنوم پرداخته و با نقل قسمتهایی از مصوبات پلنوم می‌نویسد:

"سند مهم پلنوم قطعنامه درباره "انقلاب ایران و ماهیت حاکمیت جمهوری اسلامی" است. و مبنای سایر تحلیل‌های پلنوم است. قطعنامه درباره خط‌مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که برپایه تحلیل‌های دقیق و همه‌جانبه پلنوم تصویب گشته است سمت اصلی نبرد سازمان را پایان دادن به حاکمیت ارتجاع تعیین می‌کند."

آنگاه نشریه به تشریح مفاد قطعنامه درباره خط‌مشی سازمان می‌پردازد و در این زمینه ضمن درج نقل قولی از قطعنامه مزبور: "مهمترین وظیفه تبلیغ سیاسی و افشاکری بوسیله بسیج مردم برای اعمال حاکمیت دموکراتیک و ملی می‌باشد" به تشریح مفاد آن در زمینه‌های: تاکید قطعنامه بر وحدت همه نیروهای انقلابی و خلقی به مثابه ضرورت تاکتیکی و استراتژیک، وحدت و پیشرو طراز نوین طبقه کارگر ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران به مثابه شالوده اتحاد بزرگ خلق، دعوت از مجاهدین خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران به مبارزه مشترک علیه امپریالیسم در راه صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی و خودمختاری کردستان و دعوت از گروه‌های چپ به نزدیکی به جنبش جهانی کمونیستی پرداخت.

ارگان حزب کمونیست هند (مارکسیست) ضمن تشریح قطعنامه "اوضاع سیاسی کنونی و وظایف ما"، بقیه در صفحه ۸

تعدادی از پناهندگان سیاسی مرکب از ملیت‌های ایرانی، ترک، پاکستانی، سومالیایی و غنایی و... در شهر نیویورک واقع در ایالت بایرن بعنوان اعتراض به شرایط غیرانسانی حاکم بر اقامتگاهشان دست به اعتصاب غذا زده‌اند. در این مکان حدود ۵۰۰ تا ۵۵۰ نفر از ۲۰ ملیت مختلف اسکان داده شده‌اند که در میان آنان خانواده‌های بسیاری نیز دیده می‌شوند.

شرایط زیستی پناهندگان خارجی که در این اقامتگاه سکونت اجباری دارند فوق‌العاده نامناسب است و از مدت‌ها پیش مورد اعتراض آنان قرار داشته است. این اعتراضات به اشکال گوناگون صورت پذیرفته است. لازم به ذکر است که سایر خوابگاه‌ها نیز از شرایطی کم و بیش مشابه برخوردارند. اعتصاب غذای اخیر از روز نهم ژانویه آغاز شده و تا تاریخ تنظیم گزارش ادامه داشته و تا چهاردهمین روز اعتصاب ۹ نفر به بیمارستان اعزام شده‌اند. مهاجرین سیاسی ایرانی مقیم در این اقامتگاه که هوادار سازمانها و گروه‌های مختلف سیاسی هستند متحداً در پیشبرد این حرکت اعتراضی نقش فعال و موثری دارند این حرکت مورد پشتیبانی گروهی از سازمانها و نیروهای سیاسی آلمان فدرال در ایالت مزبور از جمله حزب کمونیست آلمان، سبزها، سوسیال‌دموکرات‌ها و همچنین ترک‌ها و کردهای مقیم آلمان قرار گرفته است. آنها با انعکاس اخبار اعتصاب و انتشار بیانیه و اعزام هیئت‌هایی حمایت خود را از این حرکت پناهندگان سیاسی اعلام داشته‌اند.

دولت آلمان فدرال شرایط غیرانسانی و سختی را بر پناهندگان تحمیل کرده است. این شرایط ویژه در ایالت‌های جنوبی آلمان و کلا مناطقی که نیروهای راست‌گرا از قدرت بیشتری برخوردارند، شایع‌تر است. این امر تا کنون بارها مورد اعتراض سازمان‌های بین‌المللی و کمیسیون‌های ذیربط سازمان ملل نیز قرار گرفته است. مقامات آلمانی گاه صریحاً به ایجاد این شرایط غیرانسانی اعتراف می‌کنند و آنرا ضرورتی برای "کاهش جاذبه پناهندگی" عنوان می‌کنند. گویا این افراد داولت‌بانه و نه بخاطر وجود شرایطی خاص، مجبور به ترک وطن و کاشانه خود شده‌اند.

مقامات دولت بن، در اجرای همین سیاست، مهاجرین سیاسی را ماه‌ها و حتی سال‌ها بلا تکلیف نگهدارند. آنان را در محدوده خاصی مقید می‌سازند. اجازه سفر را از آنان سلب می‌کنند و شرایط زیستی، معیشتی و بهداشتی نامناسبی را به مهاجرین تحمیل می‌نمایند شرایطی که بسیار پایین‌تر از موازین و معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی است. علاوه بر شرایط نامناسب زیستی، مهاجرین در معرض رفتار و برخورد‌های موهن و تحقیرآمیز پلیس و سایر مأمورین دولتی قرار دارند.

پناهندگان ایرانی نیز در چنین شرایطی بسر می‌برند. در شرایط کنونی اکثر آنان را مهاجرین سیاسی تشکیل می‌دهند. شرایط ترور و خفقان حاکم بر کشور آنان را به ترک خانه و خانواده و وطن خود

اعتصاب غذای گروهی از پناهندگان سیاسی در آلمان فدرال

واداشته است. این افراد تا مدت‌ها مجبورند شرایط تشریح شده را که توسط مقامات آلمان فدرال ایجاد گشته است، تحمل نمایند.

اعتصاب غذای پناهندگان سیاسی در شهر نیویورک گامی است در جهت اعتراض به این گونه آزارها و تضییقات غیرانسانی دولت آلمان فدرال. علاوه بر آن فریاد خشمگینی است علیه رژیمهای استبدادی و ارتجاعی از قبیل رژیم جمهوری اسلامی که هزاران تن را وادار به ترک میهن و اقامت در دیگر کشورها نموده است.

درباره نام "مهاجر"

شعری از برتولت برشت

چه نارواست که ما را مهاجرین نام نهاده‌اند
زیرا که این به معنی ترک دیار گفتگان است.

آخر ماه مه میل خود جلالی وطن نکرده ایم
تا وطن دیگری اختیار کنیم.

و نیز به سرزمینی نیامده ایم تا شاید برای همیشه
در آنجا ماندگار شویم

ما را گریخته‌اند، رانده‌اند، تبعید کرده‌اند
و این کشور، که در آن مقیم گشته ایم

میهن ما نیست،
تبعیدگاه ماست.

نگران نشسته ایم و منتظر،
در نزدیکیترین نقطه به مرزهای میهنمان

انتظار روز بازگشت را داریم
و کوچکترین تغییر در آنسوی مرزها

از نگاهمان پوشیده نمی‌ماند.

بابی تابی از مرز تازه واردی پرسش می‌کنیم
بی‌آنکه خبری را فراموش کنیم یا از نکته‌ای

در گذریم

و هیچ چیز را که روی داده، نمی‌بخشیم.

آه، سکوت لحظه‌ها فریاد نمی‌دهد

چرا که صدای ضجه‌ها را از زندانهای دوردست،
می‌شنویم.

مگر نه این است که ما خود خبرنامه‌هایی هستیم
که شرح جنایات را به این سوی مرز آورده ایم؟

تک تکمان با کفشهای پاره‌ه می‌پیماییم
و ننگی را آشکار می‌کنیم که وطنمان را آلوده است.

اما هیچ یک از ما اینچنان نخواهد ماند
آخرین کلام ناگفته مانده است.

AKSARIYAT
No. 42

MONDAY JAN 28, 85

Address: آدرس:

POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران و جهان، متحد شویم!